

هر تلاش ممکن برای موفقیت

کنفرانس جهانی حقوق بشر

دوشنبه هفته آینده (۱۴ ژوئن - ۲۴ خرداد ماه) کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین پایتخت اتریش برگزار می‌گردد. این دومین کنفرانس از این نوع طی ۲۵ سال گذشته است. نخستین کنفرانس در سال ۱۹۶۸ در تهران برگزار گردید.

از ۱۸۸ کشور و تعدادی از برندگان جوایز نوبل برای شرکت در این کنفرانس دعوت بعمل آمده است. علاوه بر این، نزدیک به ۵۰۰ نفر از شخصیت‌های وابسته به سازمان‌های غیر حکومتی در این کنفرانس شرکت خواهند داشت. هدف اصلی کنفرانس بازبینی مجدد منشور جهانی حقوق بشر، تدقیق آن و بررسی پیشنهادهای جدید در ارتباط با این سند است.

جریان تدارک کنفرانس و بحث‌های کمیسیون تهیه مقدمات و دستور کار آن آشکارا نشان داد که از میان موضوعات و مسائل در دستور کار کنفرانس، دو موضوع از اهمیت اساسی و تعیین کننده چه برای مدافعان حقوق و حرمت انسان‌ها و چه برای ناقضین حقوق بشر، خودکامگان و آلوده‌دستان به خون بیگناهان - برخوردار است: ۱- آیا حقوق بشر مفهومی جهان‌شمول است یا باید در التزام عملی به آن و رعایت آن بر اساس مذهب، ملیت و سن ملی در مناطق مختلف جهان تفکیک قائل شد؟

۲- آیا کنفرانس خواهد توانست به بهانه‌هایی چون "احترام به حق حاکمیت ملی" فائق آید و ابزارهای ضرور بمنظور نظارت بین‌المللی بر اجرای حقوق بشر را ایجاد کند؟

میزان موفقیت کنفرانس بسته به آن است که چه پاسخی به دو پرسش فوق می‌دهد. در جریان تدارک کنفرانس، جبهه آشکاری هم علیه شمولیت عام و جهانی حقوق بشر و هم نظارت بین‌المللی بر اجرای آن به بهانه‌هایی چون مذهب یا ضرورت احترام به حق حاکمیت ملی و عدم دخالت در امور داخلی دیگران از جانب نمایندگان دولتی که هر یک پرونده سنگینی از تجاوز علیه حقوق بشر را بدوش می‌کشند، بوجود آمد. رژیم حاکم بر کشور مادر راس این جبهه آرائی ضد حقوق بشر قرار دارد. حکومت اسلامی ماهماست که از مجاری گوناگون علیه تصمیماتی که قرار است در کنفرانس وین اتخاذ شود، فعالیت می‌کند. در اجلاس سازمان کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در کراچی، رژیم اسلامی طرحی را ارائه داد که بر اساس آن کشورهای عضو بطور هماهنگ از نظریه عدم شمولیت عام حقوق بشر و در نظر گرفتن عامل مذهب و ملیت در رعایت آن در کنفرانس وین جانبداری می‌کنند. این کوششها تهدید جدی برای موفقیت کار کنفرانس وین است.

میلیون‌ها ایرانی که به اشکال گوناگون قربانی تجاوز رژیم اسلامی به حقوق اساسی انسان بوده‌اند، در نتایج کار کنفرانس وین ذینفع اند و از آن بیشتر، احزاب، سازمان‌ها و فعالان سیاسی که استقرار دموکراسی و حقوق بشر در ایران در سرلوحه اهداف و برنامه‌های آنهاست. هر چند فرصت کمی تا آغاز کار کنفرانس باقی است اما از فرصت کم نیز باید استفاده کرد. باید به سهم خود مانع از آن شد که آخوندها جنایات ضد بشری خود را در پوشش "مذهب" از دیده‌ها پنهان کنند و از آن بدتر دست به بسیج قوا علیه ایده‌ها و پیشنهادات انساندوستانه در کنفرانس بزنند. اینکار هم از طریق ارسال اسناد و مدارک به محل کنفرانس می‌تواند صورت گیرد و هم از طریق مشارکت جنبی فعال در مباحث و روند کار کنفرانس از طریق مطبوعات ایرانی و خارجی یا از طریق آکسیو نه‌ای دسته جمعی.

عوارض خطرناک

عملیات نظامی مجاهدین

عملیات نظامی جدید مجاهدین خلق و پیامدهای آن مسائل قابل‌تعمقی را پیش کشیده است. به ویژه اینکه آنها این بار ۸ لوله نفتی را در بهمنشیر آبادان منفجر کرد. ندوبه جریان نفت در داخل کشور صدمه وارد آورده‌اند. رژیم اسلامی به تلافی این عملیات، پایگاه اصلی مجاهدین در ۷۰ کیلومتری بغداد را بمباران کرده است. عملیات ماجراجویانه رژیم که می‌تواند وضع خطرناکی را در منطقه بوجود آورد، از نظر همه نیروهای صلح‌دوست و آزادیخواه کشور محکوم است. ولی در همین حال باید توجه داشت که ماجراجویی رژیم اسلامی بر زمینه عملیات نظامی مجاهدین صورت گرفته است. گرچه در حال حاضر هیچیک از دو کشور قصد و توانایی جنگ با یکدیگر را ندارند ولی خواه ناخواه دولت عراق در

وضع مخاطره آمیز در مناطق مرزی ایران و عراق

● عملیات تجاوز کارانه رژیم در داخل خاک عراق طی سه ماه گذشته مدام گسترش یافته است

● فرمانده سپاه: مادر بر خورده با ضد انقلابیون مرز نمی‌شناسیم

● پارلمان اروپا در برابر نقض مرزهای بین‌المللی توسط رژیم واکنش شدید نشان داد

● واشینگتن تحولات نظامی در مرزهای دو کشور ایران و عراق را زیر نظر دارد

سه ماه است که نیروهای مسلح رژیم اسلامی بطور متناوب علیه پایگاه‌های بخشی از اپوزیسیون در داخل خاک عراق دست به عملیات نظامی می‌زنند. بارزترین ویژگی این عملیات که بمنظور انهدام پایگاه‌های حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران صورت می‌گیرد، خصلت تجاوزگرانه آنست. این عملیات در طی سه ماه گذشته مدام گسترش یافته و هر روز ابعاد جدیدتری به خود گرفته است. اینک رژیم بر آنست که استقرار بخشی از نیروی نظامی خود در داخل خاک عراق را کاملاً جنبه مادی بدهد. اقدام اخیر رژیم در تجاوز به

چهارم اردیبهشت ماه، نیروهای نظامی رژیم عملاً وارد خاک عراق شدند و روز هفتم اردیبهشت در پی چند روز عملیات موضعی، رسماً در قرارگاهی واقع در خاک عراق مستقر گردیدند. و سرانجام، از بامداد ۵ خرداد نیروهای نظامی به‌اتکای اشغال نظامی ده‌ها روستا و گریزاندن چندین هزار نفر از روستائیان کرد عراقی از خانه و کاشانه‌شان، در جهت مناطق قلعه دیزه و دربندیخان کردستان عراق دست به پیشروی زده‌اند. رژیم در طول این مدت به هیچیک از اعتراض‌ها و اخطارهای دولت عراق واقعی ننهاده است و انتقادهای بی‌رحم و پراکنده در غرب را فاقد اهمیت تلقی کرده است. جمهوری اسلامی اگر در بدو امر به ماده‌ای از قرار داد ۱۹۷۵ استناد می‌کرد که بر اساس آن بخشی از خاک عراق به شعاع ۱۵ کیلومتر باید خالی از سکنه باشد و غیر نظامی اعلام گردد، اینک با گذر از این شعاع، ادله سیاسی را جایگزین توجیحات حقوقی می‌کند. این نحوه برخورد، به ویژه در پی عملیات اخیر علیه سازمان مجاهدین خلق ایران در منطقه تحت کنترل

ادامه در صفحه ۲

"نه" گفتن به استبداد

مشارکت

در سر نوشت کشور است

با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری روزنامه سلام نیز به سلک مبلغان شرکت در این نمایش پیوست و در برابر پرسش‌های مکرر خوانندگان به توجیه دلایل نظر خود پرداخت. سلام این موضع را چنین فرمولبندی کرد: حمایت کنید، شرکت کنید، نظارت کنید، کنترل کنید، انتقاد کنید و مسئولیت بخواهید! اما این روزنامه در توضیحات خود نتوانست هیچ راهی پیش پای خوانندگان خود بگذارد که چگونه به شعار فوق عمل کنند. این روزنامه نتوانست کوچکترین راه عملی در مورد ابزارهای نظارت، کنترل، انتقاد و مسئولیت‌خواهی ادعایی خود به خوانندگان نشان دهد و در این زمینه هر چه بیشتر نوشت، تناقضات درونی خود را آشکارتر ساخت. روزنامه سلام ضمن تایید استبداد حاکم در نرترین بیانها نظیر اینکه "نظارت و کنترل اجتماعی کم یا رو به کاهش است، موانعی در راه بیان آراء و عقاید حتی در چارچوب قانون مشاهده می‌شود، ساختارهای سیاسی مناسب برای مشارکت تشکیل نشده است" و "تا رسیدن به نقطه مطلوب حاکمیت قانون فاصله داریم" برای توجیه موضع خود، قربانیان استبداد و به قول خود "منغلیان" را نیز در کنار مستبدین حاکم قرار داد و هر دو را به یک اندازه موجب پدید آمدن

ادامه در صفحه ۳

بسیج حکومت برای کشاندن مردم

به پای صندوق‌های رای

سران حکومت اسلامی بطور گسترده‌ای ماشین تبلیغاتی خود را راه انداخته‌اند تا مردم را برای صندوق‌های رای بکشانند. در این روزها هر کدام از مسئولین حکومتی بمناسبتی صحبت می‌کنند. آنها شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را بعنوان وظیفه شرعی و مقابله با دشمنان اسلام تلقی کرده و از مردم می‌خواهند که در انتخابات شرکت نمایند. آنها بشدت نگرانند که نارضایتی گسترده مردم از حکومت اسلامی و هریان تر شدن جنبه نمایشی انتخابات، موجب شود بخش‌های قابل توجهی از مردم از شرکت در انتخابات سرباز زنند. گرچه ساختن آراء جعلی و ارائه ارقام دلخواه، کار چندان دشواری برای حکومتیان نیست ولی بالاخره از میزان شرکت مردم در حوزه‌های رای‌گیری، گزارش‌هایی توسط خبرنگاران خارجی تهیه شده و به سراسر جهان مخابره خواهد شد. در همین حال مدتها است که

ادامه در صفحه ۴

در این شماره:

مسائل اقتصادی جامعه ما

در صفحه ۷

شناخت دینی در برابر

شناخت علوم تجربی

در صفحه ۸

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

عملیات نظامی رژیم

در داخل خاک عراق

هشدار دهنده است

در صفحه ۲

وزیر خارجه امریکا:

دولت امریکا

تلاش میکند

جمهوری اسلامی

را به انزو و بکشاند

در صفحه ۳

دادستانی

فدرال آلمان علیه

متهمین تروریست

اقامه دعوی کرد

در صفحه ۳

در پی جلوگیری سعودیها

از برگزاری

"مراسم برائت از مشرکین"

مناسبات رژیم

باعرستان

دوباره تیره شد

حکومت اسلامی در تلاش خود برای بهبود روابط با عربستان سعودی بار یگر با ناکامی مواجه شد و مناسبات دو رژیم در پی مخالفت غیر مترقبه سعودیها از انجام مراسم "برائت از مشرکین" بشدت بحرانی و تیره شد. هفته گذشته در حالیکه سرپرستان حجاج ایرانی آماده برگزاری مراسم می‌شدند و اظهارات آنها نشان می‌داد که مقامات عربستان امسال نیز مانند دو سال گذشته با انجام مراسم برائت از مشرکین موافقت کرده‌اند، پلیس و مقامات انتظامی آن کشور مانع از برگزاری آن شدند. این اقدام سعودیها، واکنش تند مقامات حکومت اسلامی را برانگیخت؛ خامنه‌ای گفت مقامهای سعودی به دستور امریکا مانع انجام مراسم شدند. سه روز بعد محمدی ری شعیری نماینده خامنه‌ای و سرپرست حجاج ایرانی به‌جانه چهارمین سالگرد مرگ خمینی تعدادی از حجاج ایرانی را در منا گرد آورد و بخشهایی از پیام خامنه‌ای را که می‌بایست در مراسم اصلی در مکه خوانده می‌شد برای حاضران قرائت کرد. رادیو جمهوری اسلامی از

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

فریبکاریهای رفسنجانی

سردبیران مجله تایم با هاشمی رفسنجانی مصاحبه مفصلی انجام داده و در زمینه های مختلف سئوالاتی از او کرده اند. این مصاحبه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفته است. این مصاحبه بجهت موضوعات مطروحه و برخورد طرفین در خور توجه است. سردبیران مجله تایم، بعنوان خبرنگار که در مقام سئوال کننده هستند از موضع پایین و تدافعی برخورد کرده اند و رفسنجانی که باید پاسخگوی سئوالها باشد از موضع بالا و تعاجمی حرکت کرده و مرتباً آنها را زیر سئوال برده و جمهوری اسلامی را تهاجمی و تمام شرارتها را به امریکا نسبت داده است. ولی در این مصاحبه یک نکته برجسته است و آن انکار واقعیتها و قلب آنها توسط رفسنجانی است. او در اکثر زمینه ها، واقعیت های موجود را تحریف کرده و از جمهوری اسلامی آنچه چهره های ارائه شده است که گویا بهشت برین بوده و مردم از رفاه برخوردارند و از رژیم حمایت می کنند.

اشاره به چند نکته مطروحه در این مصاحبه می تواند فریب کاری رفسنجانی را نشان دهد. اولین نکته مسئله تروریسم است. رفسنجانی در مقابل این مسئله که وزارت خارجه امریکا جمهوری اسلامی را به عنوان خطرناکترین حامی تروریسم در دنیا طی سال گذشته متهم کرده میگوید این لقب برای خود دولت امریکا مناسب است و اضافه می کند که ما بیش از هر کشوری از تروریسم در دنیا رنج دیده ایم و می دانیم به نفع ما نیست. اگر حزب الله در لبنان کار تروریستی بکند از نظر ما محکوم است و ما اگر نفوذی داشته باشیم مانع آنها می شویم. تروریسم باید در همه سطوح متوقف شود. اگر بشریت می خواهد راحت باشد، باید همه با هم برای جلوگیری از تروریسم همکاری کنند.

رفسنجانی زمانی این چنین فریب کارانه بر ماهیت و عملیات تروریستی رژیم اسلامی سرپوش می گذارد و چهره بظاهر ضد تروریستی بخود می گیرد که سرانجام بعد از تلاشها و درگیری های زیاد، برای اولین بار در دو کشور آلمان و فرانسه شرایط برای اینکه حکومت اسلامی بعنوان رژیم تروریستی به پای میز محاکمه کشیده می شود، آماده می گردد. هم چنانکه در خبرها آمده است دادستانی آلمان کاظم دارابی متهم اصلی قتل شرفکندی و یاران او راهضو سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران معرفی کرده است و قرار است پنج متهم شرکت در قتل محاکمه شوند. در فرانسه نیز قاضی بروکیر در صد آنت است که دادگاه متهمین به قتل بختیار را به دادگاه محاکمه رژیم اسلامی تبدیل کند. رژیم اسلامی تاکنون عده قابل توجهی از عناصر مخالف را ترور کرده است و بجهت برخورد ماموشات گریانه دولت های اروپایی، توانسته است بر مسئله سرپوش بگذارد. ولی در این دو مورد پای او بدام افتاده است. موضع گیری فریبنده رفسنجانی نخواهد توانست چهره تروریستی او را بپوشاند. در زمینه حمایت رژیم از

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

عملیات نظامی رژیم در داخل خاک عراق

هشدار دهنده است

هم میهنان!

رژیم جمهوری اسلامی در ساعات بامداد سه شنبه چهارم خرداد ماه ۱۳۷۲ با گسیل ۱۲ فروند هواپیمای جنگی به آسمان عراق، دو پایگاه سازمان مجاهدین خلق ایران در داخل خاک این کشور را زیر حملات سنگین هوایی خود گرفت. عملیات مزبور اقدام تلافی جویانه در برابر حرکات نظامی یکماه قبل این سازمان در منطقه مرزی ایلام و تخریب لوله های نفتی در بهمینشیر آبادان اعلام کرده است. جمهوری اسلامی طی سه ماه گذشته، بارها نیروهای نظامی خود را برای انهدام مقرهای حزب دموکرات کردستان ایران در شمال کردستان عراق که تحت کنترل نیروهای چند ملیتی سازمان ملل متحد است، و کوییدن پایگاههای سازمان مجاهدین خلق ایران که در منطقه تحت کنترل صدام حسین قرار دارد، وارد خاک عراق کرده و به دفعات قانونتیت مرزهای بین دو کشور، مقررات آتش بس و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را زیر پا گذاشته است. تحرکات نظامی رژیم در داخل عراق به اخطارهای پی در پی رسمی و شدید رژیم عراق منجر شده است. ولی رژیم این اعتراضها را نادیده گرفته و قطع این عملیات را به برپید شدن پایگاههای نیروهای مخالف خود در آنسوی مرز و داخل خاک هم میهنان!

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که در مواجهه با مخالفان خود تنها به نابود کردن آنان و نقطه به اعمالی چون سرکوب، ترور و قهر نظامی متوسل می شود، برای تحقق سیاست جنگ علیه اپوزیسیون، مصالح ملی کشور را به هیچ می گیرد و بادست زدن به ماجراجویی های غیر قابل توجیه در آنسوی مرزها، همه مردم ایران را در معرض خطر قرار می دهد. این رژیم به نتایج شوم هشت سال جنگ بین دو کشور همسایه که خود در ایجاد زمینه برای تجاوز نظامی صدام به میهن ما نقش داشت و سالها مسئولیت اصلی ادامه جنگ هم با او بود، ذره ای اهتزاز ندارد در شرایطی که مردم ایران به ایجاد و گسترش مناسبات مسالمت آمیز کشور با همسایگان نیاز مندند، این رژیم بر آتش سوزن ها و

خصوصیتها می دمد که بی تردید می تواند خطرات زیادی در پی داشته باشد. هم میهنان!

ما هم اقدام سازمان مجاهدین خلق در تخریب لوله های نفتی کشورمان را توجیه می کنیم و هم بطور کلی مخالف مشی این سازمان هستیم که برای رسیدن به حکومت هر اقدام و شیوه ای را مجاز می داند. از نظر ما در دشمنی رژیم صدام با مردم ایران نیز تردید جایز نیست. اما این واقعیتها به هیچ رو سیاست سرکوب رژیم علیه مخالفان و بویژه ماجراجویی های نظامی آن در فراسوی مرزهای کشور را توجیه نمی کند. اقدام اخیر رژیم تحت هر بهانه ای، پیش از همه و بیش از هر چیز مقایر مصالح ملی کشور ماست. این اقدامها می تواند زمینه ساز فجایعی باشد که مردم ما طی چهارده سال حاکمیت این رژیم به تکرار آنها را تجربه کرده اند.

ما بار دیگر به رژیم هشدار می دهیم که بیش از این مصالح عمومی و سرنوشت کشور ما را به بازی نگیرد و با قطع عملیات پرواز بر فراز خاک کشور عراق، از اهزام نیروهای نظامی به خاک این کشور همسایه خودداری ورزیده و بیدرتنگ نیروهای مستقر در نواحی مرزی دو کشور را که به منظور عملیات سرکوب در داخل عراق مجتمع کرده است به درون کشور برگرداند.

ما سکوت مجامع بین المللی در قبال ماجراجویی های رژیم را سئوال برانگیز قلمداد کرده و خواستار واکنش هر چه سریع جعانیان در قبال این ماجراجویی ها و اداکردن رژیم به قطع عملیات تجاوزکارانه نظامی هستیم. ما مخالفت با عملیات رژیم در داخل خاک عراق را یک وظیفه ملی و میهنی می دانیم و از هموطنان صلحدوست دعوت می کنیم که قاطعانه و بهر شکل ممکن در برابر این سیاست خطر آفرین و ماجراجویانه بایستند و مانع از ادامه آن شوند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پنجم خردادماه ۱۳۷۲

عوارض خطرناک عملیات نظامی مجاهدین

ادامه از صفحه ۱

مجاهدین این شیوه برخورد را هم در مناسبات با دولت امریکا و رژیم صدام و هم در نظامی پیش می برند. سازمان مجاهدین خلق در برابر منافع ملی کشور، کمترین احساس مسئولیت نمی کند.

معلوم نیست مجاهدین چرا و با چه منطقی لوله های نفت را مندرج می کنند؟ البته این گونه عملیات ممکنست قصد رهبری مجاهدین برای تقویت روحیه اعضا و هواداران آنها را تامین کند، اما نه رژیم را ساقط خواهد کرد و نه آتچنان به اقتصاد کشور لطمه خواهد زد که رژیم بر اثر آن فلج شود. واقعیت نشان داده است که این گونه عملیات به تضعیف رژیم منجر نمیشود و تنها موجب تشدید خشونت و انتقام جویی از جانب دو طرف می گردد و زمینه را برای تقویت و پیشرفت سیاست هایی در رژیم فراهم می کند که دود آتش آنها به چشم مردم خواهد رفت. مجاهدین این تصور باطل را دارند که عملیات نظامی آنها مردم را بیدان مبارزه با رژیم اسلامی می آورد و موجب رشد حرکات اعتراضی توده ای می شود، ولی مردم تحت چنین مکانیسم هایی به پیکار علیه حکومت حاکم بر نمی خیزند.

عملیات نظامی و انفجار لوله های نفت مورد تایید مردم نیست و آنها را بسوی مجاهدین جلب نخواهد کرد. بلکه بیشتر موجب دور شدن مردم از نیرویی خواهد شد که کوچکترین توجهی به منافع کشور ندارد.

وضع مخاطره آمیز در مناطق مرزی

ادامه از صفحه ۱

رژیم صدام، صراحت بیشتری یافته است.

روز چهارم خرداد ماه، ۱۲ فروند هواپیمای جنگی رژیم دو پایگاه سازمان مجاهدین خلق را در فاصله ۷۰ کیلومتری بغداد مورد حمله قرار دادند و با این اقدام، دامنه عملیات تجاوزگرانه جمهوری اسلامی در خاک عراق از منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق فراتر رفت. مسئولان حکومتی در برابر اعتراض شدید عراق به این اقدام تجاوزکارانه فقط این پاسخ را کافی تلقی کردند که بگویند: این حرکتها خصلت دفاع از خود دارد و تا زمانیکه مخالفان، در عراق پایگاه دارند، خود را مواجهه مجاز می دانند که به این حرکات ادامه دهند.

رادپوی جمهوری اسلامی روز ۵ خرداد اعلام داشت که: حمله دیروز جنگنده های نیروی هوایی هیچگونه منافاتی با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و مقررات آتش بس میان دو کشور ندارد و رئیس مجلس اسلامی ساعاتی پس از انجام این عملیات، اقدام نظامی بوسیله هواپیماها را عملی کوبنده و لازم برای دفاع از تمامیت ارضی اعلام داشت. اما قبل از حمله نیروی هوایی به پایگاههای مجاهدین، محمد علی جعفری فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران حتی تصریح کرده بود که: ما در برخورد با ضدانقلابیون مرز نمی شناسیم و این حق را برای

خود قائلیم که در خاک عراق آن را نابود کنیم. واکنش فزاینده نسبت به اقدام رژیم در روز ۴ خرداد در شهرستان خالص و منطقه جولاء، البته در مقایسه با عکس العمل ضعیف آنها در قبال عملیات نظامی رژیم طی ماههای اخیر در منطقه پرواز ممنوع، تا حدودی جدی بود. روز ۶ خرداد پارلمان اروپا با صدور یک قطعنامه اضطراری ضمن ابراز نگرانی از نقض مرزهای بین المللی و نیز منطقه پرواز ممنوع توسط جمهوری اسلامی، اقدام رژیم در شمال منطقه پنجونین کردستان عراق و حمله آن به پایگاه هوایی مجاهدین را محکوم کرد و از دولت های عضو جامعه مشترک اروپا خواست که این نقض آشکار قوانین بین المللی را در شورای امنیت مطرح نمایند. دولت فرانسه نیز از زبان سخنگوی وزارت خارجه خود، تعجب هوایی رژیم را محکوم کرد و ضرورت احترام به مرزهای بین المللی را تصریح نمود. در امریکا، یک مقام مسئول اعلام داشت که ایالات متحده با تهاجمات رژیم ایران مخالف است و با طرح این نکته که جمهوری اسلامی سیاست و مواضع ما را می داند، تصریح کرد که واشنگتن هم چنان تحولات را زیر نظر دارد.

در این میان، عکس العمل رژیم عراق نیز شدیدتر از دفعات پیشین بود. دولت عراق با احضار کاردار رژیم به وزارت خارجه این کشور، به عملیات نظامی رژیم در زمین و آسمان

هراق شدیداً اعتراض کرد و این عملیات را نقض آشکار حاکمیت عراق و نقض قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام داشت. دولت عراق به نماینده رژیم هشدار داد که طرف ایرانی باید مسئولیت کامل عواقب این اعمال را بپذیرد و بداند که طرف عراقی حق اتخاذ هر تصمیم در دفاع از حریم هوایی و حفاظت از سرزمین خود طبق معاد ماده ۵۱ منشور ملل را برای خود محفوظ می دارد. علاوه بر این، رسانه های خبری و مطبوعات بغداد طی روزهای اخیر، علیه جمهوری اسلامی دست به تبلیغات گسترده زده اند که در دو سال اخیر کم نظیر بوده است.

عملیات رژیم در داخل خاک عراق که بزودی سه ماه تمام راپشت سر می گذارد، به مرحله خطرناک و هشدار دهنده ای رسیده است. رژیم جمهوری اسلامی که عادت ندارد آرام و قرار گیرد و مدام از این ماجراجویی به آن ماجراجویی گذر می کند، به بهانه سرکوب مخالفان خود، بازی خطرناکی را با مصالح و منافع کشور آغاز کرده و آشکارا کشور را در معرض تشنه ای حاد، درگیری های مرزی و نهایتاً جنگ قرار می دهد.

آنچه که بر نگرانی های ما افزاید شیوه برخورد فزاینده و بویژه امریکاست که سیاست مشکوک و سئوال برانگیزی را در قبال مناسبات دو رژیم جمهوری اسلامی و عراق پیش می برند. هرگاه توجه داشته باشیم که

دولت امریکا از نقش آفرینان اصلی در آغاز جنگ بین دو کشور و از محرکان تداوم جنگ بمدت هشت سال بوده است؛ هرگاه در نظر بگیریم که امریکا در قبال هر حرکت رژیم عراق در منطقه پرواز ممنوع بشدت حساس است ولی نسبت به اقدامات چند ماهه رژیم در این منطقه با سکوت و ماموشات رفتار کرده حال آنکه در مقابل برخوردهای دیگر همین رژیم در خلیج فارس و یا دیگر جاها بشدت حساسیت دارد؛ آنگاه این پرسش مطرح می شود که امریکا چه هدفی را از تشدید تنشج بین جمهوری اسلامی و رژیم صدام حسین تعقیب میکند؟ واقعیت آنست که سیاست غرب بطور کلی و امریکا بطور مشخص در مورد جمهوری اسلامی منظرها در این جهت سیر می کند که این رژیم را بعنوان رژیم تروریست، ماجراجو و ضد موازین بین المللی تحت فشار فزاینده قرار دهد و حلقه محاصره جهانی دور آنرا تکمیل و تنگ کند. این سیاست به دلایل و شواهد بسیار اکنون چهره صریح تری به خود گرفته است که در همین شماره نشریه کار مطلبی در رابطه با این سیاست نگاشته شده است. جعت دیگر سیاست امریکا در منطقه ما اینست که رژیم عراق را هم ضعیف نگه دارد و در عین حال بعنوان یک نیروی رودررو در درگیری با جمهوری اسلامی حفظ کند. آنچه که اکنون در مرزهای کشور جاری است، در خدمت این سیاست و مشی قرار دارد. سیاستی که اگر ادامه یابد، وضع پیچیده و خطرناکی را دامنگیر مردم میهنمان و همه مردم منطقه خواهد کرد.

وزیر خارجه آمریکا: دولت امریکا تلاش میکند جمهوری اسلامی را به انزوایکشانند

اوایل هفته گذشته وارن کریستوفر وزیر خارجه امریکا طی یک اظهار نظر، اعلام کرد که دولت امریکا رژیم جمهوری اسلامی را دشمن خود می‌داند و تلاش می‌کند جمهوری اسلامی را به انزوا بکشانند. پیش از اظهارات کریستوفر، روزنامه واشینگتن پست نیز در مقاله‌ای به سیاستی اشاره می‌کند که از این پس دولت کلینتون در برابر جمهوری اسلامی در پیش خواهد گرفت. مضمون اساسی نوشته واشینگتن پست نیز همان است که وزیر خارجه امریکا بر زبان آورده است. رسانه‌های گروهی می‌نویسند که هم مقاله روزنامه مذکور و هم اظهارات وارن کریستوفر پس از آن صورت گرفته است که وزارت خارجه امریکا پس از ماهها بررسی گزارشی را که حاوی رؤس سیاستهای تازه امریکا در برابر رژیم جمهوری اسلامی است، به رئیس جمهوری امریکا ارائه داده است.

روزنامه واشینگتن پست نوشته است: دولت کلینتون به این نتیجه رسیده است که رهبری هر دو کشور ایران و عراق تا آینده قابل پیشبینی مخالف امریکا خواهند بود و باید گام‌های تازه‌ای برای منزوی کردن هر دو دولت برداشته شود. این روزنامه از قول مقامات رسمی امریکا نوشته است: سیاست تازه امریکا باروش پیشین آن کشور که بر تقویت یکی از این دو کشور علیه دیگری به

امید حفظ تعادل نظامی و نفوذ سیاسی مبتنی بود تفاوت خواهد داشت. هدف سیاست تازه امریکا آنچنانکه واشینگتن پست بدان اشاره می‌کند، "تضمین ضعیف ماندن هر دو کشور ایران و عراق تا زمان نامحدود است." یک هفته پیش از انتشار این مطالب در روزنامه واشینگتن پست، یک مقام مسئول در شورای امنیت ملی امریکا گفته بود: "سیاست آشکار ملهم است که هر دو رژیم ایران و عراق، منطقی‌تر از امریکا و هم پیمانانش در منطقه دست به اقدامات خصمانه می‌زنند."

به این ترتیب پس از گذشت ۵ ماه از ورود کلینتون به کاخ سفید سیاست امریکا در برابر جمهوری اسلامی جوانب روشنتری پیدا می‌کند و برغم کوششهای پیدا و پنهان مقامات رسمی و غیررسمی حکومت اسلامی برای آنکه تهران خصمانه نباشد، این سیاست کاملاً خصمانه و مبتنی بر تشدید فشار علیه رژیم اسلامی در ایران است. آخرین تلاش تهران برای اثر گذاری بر روی رویه واشینگتن در برابر رژیم اسلامی، مصاحبه هاشمی رفسنجانی با مجله تایم بود. بسیاری بر این نظرند که این مصاحبه از جانب رفسنجانی تدارک دیده شده و منظور اصلی از آن رساندن این پیام به گوش دولتمردان امریکا بود که آخوندها آماده کنار آمدن با غرب و

امریکا هستند. رفسنجانی در این مصاحبه اعلام می‌کند در صورتیکه دارائیهای ایران در امریکا از بلوکه خارج شود "امریکا دیگر شیطان بزرگ" نخواهد بود. از محتوای مصاحبه رفسنجانی آشکارا پیداست که شرط آن بلوکه خارج شدن دارائیهای ایران چندان جدی نیست و طرح آن بیشتر مصرف داخلی دارد تا یک خواست واقعی. رفسنجانی در این مصاحبه می‌گوید که ما آماده مذاکره با امریکا هستیم و این امریکاست که باید از سرآشستی دریاید.

مقامات جمهوری اسلامی بلافاصله نسبت به اظهارات وارن کریستوفر واکنش نشان دادند. علاوه بر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که اظهارات وزیر خارجه امریکارا محکوم کرد، علی خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته ایالات متحده را دشمن واقعی جمهوری اسلامی نامید. خامنه‌ای نقض حقوق بشر توسط حکومت اسلامی و مشارکت فعال این رژیم در تروریسم را رد کرد و آنها را "اتهامات ناوارد" دانست.

سیاست تازه واشینگتن در برابر حکومت اسلامی، این رژیم را وارد دوره جدیدی در مناسبات بین المللی می‌کند که با توجه به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیار حاد در داخل کشور، موقعیت بسیار حساسی را برای حکومت اسلامی پدید خواهد

در حاشیه هیئت‌مدیره

حقوق بشر از نظر رئیس کمیسیون حقوق بشر مجلس

رجایی خراسانی نماینده و رئیس کمیسیون خارجی و دبیر "بین‌العجاس"، مجلس شورای اسلامی است. در اجلاسی در بوداپست که اخیراً ایشان به همراه یک هیات ایرانی شرکت داشتند در باره حقوق بشر می‌گویند: در شرایطی که میلیونها نفر در فقر و گرسنگی بسر می‌برند و حتی از کمترین امکانات معاش محرومند، صحبت از آزادی بیان و اندیشه برای چنین مردمی چه ارزشی دارد.

آقای رجایی خراسانی در باره دیگر جنبه‌های حقوق انسانی و شهروندی نیز نظرات مشابهی داده‌اند. این طبیعی است که امثال رجایی‌ها قادر به درک رابطه بین فقر و حقوق بشر از جمله آزادی بیان و اندیشه نباشند و یا اساساً نخوانند آنرا درک کنند. ولی به روشنی روز آشکار است که بخش اعظم فقر مبتلا به جوامع بشری ریشه در بی حقوقی کامل مردمان این جوامع و نقض خشن حقوق انسانی در این کشورها دارد. اگر مردمان این جوامع از حداقل آزادیها و حقوق مدنی برخوردار بودند دیگر برای رژیم‌های فاسد و

بمب بود یا ترقه؟

در نخستین ساعات روز سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت در محل ساختمان موسسه اطلاعات در خیابان خیام انفجاری رخ داد که خسارتی را نیز به طبقه اول ساختمان اطلاعات وارد آورد. با اینکه این انفجار قوی بوده و صدای آن در شعاع وسیعی در تهران شنیده شد، خبری در باره آن در روزنامه‌های تهران انتشار نیافت. چند روز بعد یک خواننده سلام از این روزنامه می‌پرسد که چرا خبر این انفجار در روزنامه‌ها انتشار نیافت و سلام در پاسخ این خواننده خبر حادثه را همانطور که اشاره شد منعکس می‌کند. به نوشته سلام این بمب گذاری به احتمال قوی در واکنش به چاپ

طرحدی از شهید "همت" در یکی از نشریات موسسه اطلاعات صورت گرفته است. حجت‌اسلام دهائی سرپرست موسسه اطلاعات یک روز بعد در نامه‌ای به سلام می‌نویسد اولاً آنچه در محل موسسه اطلاعات منفجر شد بمب نبود بلکه ترقه بود که آثار "ایذائی و تخریبی آن چندان مهم نبوده است" ثانیاً چرا این بمب گذاری راهما و با آن رادیوی بیگانه (بی‌بی‌سی) به "گروه‌هایی" نسبت می‌دهند؟ و سلام در جواب دعایی می‌نویسد این چه "ترقه‌ای" بود که بخش عظیمی از ساکنان تهران صدای آنرا شنیده‌اند؟

دادستانی فدرال آلمان علیه متهمین ترور برلین اقامه دعوی کرد

پس از ماهها تحقیق و کشاکشهای پنهان در مورد حادثه ترور دکتر صادق شرفکندی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران، ۲ تن از مسئولین بلندپایه این حزب فتح عبدلی و همایون اردلان و نوری دهکردی مبارز چپ در کافه میکونوس برلین، سرانجام دادستانی فدرال آلمان در برابر دادگاه استیفا برلین علیه قاتلان مبارزین شهید اقامه دعوی کرد. بر اساس کیفرخواست دادستانی فدرال آلمان کاظم درابی که از او به عنوان رهبر احتمالی گروه ترور نام برده شده است، مأمور سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و از اعضای سپاه پاسداران می‌باشد. در کیفرخواست گفته شده است که وی به دستور سازمان امنیت جمهوری اسلامی ترور سیاستمداران مذکور را سازمان داده است. درابی به این منظور مزدوران حزب الله و سازمان امل لبنان را که در آلمان اقامت داشته‌اند به خدمت گرفته است. به گفته دادستانی فدرال تمامی متهمین در بازداشت وقت به سر می‌برند. علاوه بر درابی، یوسف امین ۲۵ ساله اهل لبنان و عباس راحل ۳۵ ساله اهل لبنان متهم به قتل می‌باشند. محمد

"نه" گفتن به استبداد

ادامه از صفحه ۱

وضعیت موجود دانست. به عقیده این روزنامه کسانی که خود را کنار کشیده‌اند و "برخورد منفعلانه" می‌کنند، از کسانی که بانی استبدادند و اجازه مشارکت واقعی را به مردم نمی‌دهند، در پدید آمدن وضع کنونی نقش کمتری ندارند. انتقاد و تراضیتی سلام در اساس متوجه جریانهای وابسته به مجموعه نظام اسلامی است که خود را از انتخابات خیر و فتنه‌انگیز به این روزنامه فقط برخورد منفعلانه آنها ناراضی است، اما نمی‌خواهد ببیند خارج از طیف حکومت، صدها هزار تن از مردمی که نخواستند نسبت به سر نوشت سیاسی کشورشان بی‌تفاوت بمانند و خواستند در ساختن کشور مشارکت کنند با چه بی‌رحمی حیرت انگیزی سرکوب شدند، به زندان افتادند، اعدام شدند و وادار به ترک کشورشان گردیدند. درد کنونی جامعه ما انفعال نیست، استبداد است و ایندو را در کنار یکدیگر قرار دادن، تنگنا هتگامی لازم می‌شود که توجیه یک موضع نادرست ضروری شود.

روزنامه سلام خوانندگان ناراضی خود را از انفعال برحذر میدارد، اما از انفعال معنایی کاملاً واژگونه ارایه میدهد. در شرایطی که استبداد حاکم احزاب سیاسی را تعطیل کرده است، فعالیت سیاسی دگراندیشان را با خشونت کامل سرکوب می‌کند و برای مردم حق هیچگونه انتخابی جز آنچه که خود از قبل تصمیم گرفته باقی نگذاشته است، "نه" گفتن خود نوعی اعتراض است. عدم شرکت در نمایش انتخاباتی نوعی مشارکت است، نه مشارکت در آنچه که حکومتیان می‌خواهند، بلکه مشارکت در اعتراض علیه استبداد. تحریم استبداد در زمانی که مستبدین راه

مناسبات رژیم با عربستان دوباره تیره شد

ادامه از صفحه ۱

این مراسم بعنوان برائت از مشرکین که حجاج ایرانی موفق به برگزاری شدند یاد کرد اما روشن بود که این اقدام جنبه تبلیغی دارد و برای پوشاندن شکست حکومت اسلامی در برگزاری مراسم برائت از مشرکین صورت گرفته است.

در چند هفته اخیر حکومت اسلامی به موازات کوششهایش برای کاستن از فشارهای بین‌المللی و خروج از انزوای شدیدی که دچار آنست اقداماتی را نیز برای بهبود روابط با عربستان سعودی آغاز کرد که در این سفر با ولایتی به عربستان از جمله این اقدامات بود. ولایتی در این سفر با وزیر خارجه عربستان و نیز فهد پادشاه عربستان ملاقات کرد. وی پیام کتبی رفسنجانی را به فهد داد و وی برای دیدار از تهران دعوت نمود. پادشاه عربستان نیز دعوت سال گذشته خود برای سفر رفسنجانی به عربستان را تکرار کرد. هم اظهارات فهد در این ملاقات که برای دیدار از تهران و ملاقات با رفسنجانی "ابراز امیدواری" کرد و هم سخنان حاکی از رضایت ولایتی از نتایج سفرش به عربستان، حکایت از موفقیت نسبی این کوششها داشت.

در تهران اقدام حکومت برای بهبود رابطه با سعودیها و دعوت از فهد برای سفر به ایران با اعتراض مخالفی از حکومت روبرو شد. این اعتراضات در سالهای پیش همواره یکی از موانع عمده بر سر کوششهای رفسنجانی و وزارت خارجه او برای هادی سازی روابط با عربستان بود. لیکن اظهارات برخی مقامهای حکومت نشان داد که سفر اخیر ولایتی با توافق میان گروه حاکم

سالگرد تعطیلی دانشگاهها

روز چهاردهم خرداد ماه ۱۳۵۹ "شورای انقلاب" دانشگاههای سراسر کشور را به بهانه اجرای "انقلاب فرهنگی" رسماً تعطیل کرد. این تعطیلی که بیش از سه سال بطول کشید بدنبال سرکوب وحشیانه دانشجویان صورت گرفت که در جریان آن چند نفر کشته شدند و صدها نفر مجروح گردیدند.

تعطیلی دانشگاهها و سرکوب دانشجویان از یکسو با هدف اسلامی کردن محیط دانشگاهها و از سوی دیگر مهار نیروهای اپوزیسیون که در دانشگاهها قدرت جدی داشتند از سوی حزب جمهوری اسلامی طراحی شد و هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور فعلی، برای نخستین بار طی یک سخنرانی در تبریز آن را اعلام کرد. نیروهای اپوزیسیون و از جمله فدائیان و دانشجویان مواداران در برابر سرکوب جنبش دانشجویی و تعطیلی دانشگاهها، که مقدمه سرکوب نیروهای سیاسی و تحکیم استبداد در جامعه بود در ابتدا واکنش پایدانه‌ای نشان دادند. اما متأسفانه ابعاد فاجعه بار ضدعلمی "انقلاب فرهنگی" در آن زمان کمتر مورد توجه نیروهای سیاسی قرار گرفت.

تعطیلی دانشگاهها هر چند یک گام مهم در جهت برقراری استبداد و اختناق بود، اما ضربتی فوق‌العاده ویران کننده بر توان علمی کشور وارد کرد و جامعه ما را از این لحاظ سالها به عقب برد. تعطیلی دانشگاهها، اخراج صدها استاد و شخصیت علمی از کار و محروم ساختن آنها از ادامه فعالیت‌های علمی و جریانی که حکومت در محکومیت تخصص در برابر "مکتب" براه انداخت، توان علمی و فنی کشور را که پیش از آن نیز اندک بود، بیش از پیش به تحلیل برد. آثار این سیاست، همراه با تنزل کیفیت علمی مراکز آموزشی عالی پس از بازگشایی مجدد دانشگاهها و معاجرت صدها هزار تن از نیروهای دارای تخصص که بدلیل شرایط سیاسی- اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی غیر قابل تحمل در کشور صورت گرفته است، امروزه مسئله تأمین نیازهای علمی، فنی و تکنیکی رابه یکی از بزرگترین معضلات کشور ما تبدیل کرده است. این معضل بی شک از مخربترین جنبه‌های حکومت ۱۴ ساله جمهوری اسلامی است.

بدون حل این مشکل جامعه ما نخواهد توانست قدم در جاده پیشرفت و ترقی بگذارد. حکومت اسلامی، ۱۲ سال پس از شروع "انقلاب فرهنگی" نشان داده است که نه تنها قصد ندارد گامی در جهت حل این مشکل بردارد، بلکه هم‌چنان معضل و مانع همدمه حل آن در کشور نیز می‌باشد.

تصویب طرح ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی

مجلس شورای اسلامی طرح ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی را تصویب کرد. به موجب ماده واحده پیشنهادی نمایندگان قیوم هرگونه پورسانت از قبیل وجه مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان بطور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه‌گانه، سازمانها، شرکتها و موسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلاب، شهرداریها و...

کلید تشکیلات وابسته بانها-مجموع است. مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از ۲ تا ۵ سال و جزای نقدی برابر با پورسانت محکوم میشود.

این طرح قبلاً در کمیسیون قضایی مجلس رد شده بود ولی هدای از نمایندگان اترامستقیماً در مجلس مطرح نمودند. قوه قضائیه و وزیر دادگستری با این طرح مخالف بودند.

بسیج حکومت برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای

ادامه از صفحه ۱

شورای نگهبان از مدتها پیش معلوم بوده است، چرا که حدود یک ماه و نیم قبل کارتهای انتخاباتی با محل ۴ هکس کاندیدا قبل از ثبت نام کاندیداها چاپ شده بودند. وزیر کشور برای سرپوش گذاشتن بر واقعیت قضیه، آن را اتفاقی خواند.

در همین حال سران حکومت قبل از برگزاری انتخابات در یک سری زمینه‌ها به سازش رسیده‌اند. رفسنجانی بخش مهمی از خواستهای رسالتی‌ها و خامنه‌ای را پذیرفته‌است و آنها نیز به حمایت از او برآمده‌اند. هم اکنون "حمایت از هاشمی" که در انتخابات دوره چهارم مجلس شعار "ائتلاف حاکم" بود، به شعار انتخابات رئیس جمهوری تبدیل شده است. رفسنجانی در ماههای اخیر کوشیده است که در نقش نماد اتحاد نیروهای جمهوری اسلامی چهره کند. او در همین حال وعده و وعیدهایی را نیز در مورد برکناری هدهای از وزراء بد نمایندگان مجلس داده است. ناطق نوری و تعداد زیادی از...

آیت‌الله یزدی رئیس قوه قضائیه طی بخشنامه به کلیه مراجع قضایی دستور داد توزیع کنندگان "نوارهای مبتذل و بی‌بهره" و "لباسهایی که استفاده از آنها خلاف شرع است" را به اشد مجازات محکوم کنند. آیت‌الله یزدی در این بخشنامه تاکید کرده است که این تصمیم در راستای مبارزه با "تجاجم فرهنگی" و بر اساس "قانون مجازات اسلامی" صورت گرفته است.

انتظار بهبود وضعیت اقتصادی، کنترل تورم و گرانی و تحول در سیستم اداری کشور را دارند و این امر می‌طلبد که در کابینه آینده وزرای مدیر و مدبر و قوی بمانند و آنهایی که در حل مشکلات و راهبری وزارتخانه مانده‌اند جایبان را به افرادی قوی‌تر و کارآمدتر بدهند.

در آستانه انتخابات صحنه سیاسی کشور در نوک هرم قدرت با چند ماه قبل تفاوت‌های محسوسی دارد. ظاهراً اختلاف بین رفسنجانی و خامنه‌ای و رسالتیها فروکش کرده و جای آن را توافق و همزیانی گرفته است. باید دید اوضاع بعد از انتخابات رئیس جمهوری بچه‌بمورتی در خواهد آمد؟

از میان رویدادها

ربودن دانش آموزان مدارس، نگرانی تازه مردم

بدنبال بالاگرفتن نگرانی مردم تهران از ربوده شدن کودکان دبستانی‌شان، مقامات نیروی انتظامی کشور چنین اتفاقاتی را "به شدت" تکذیب کردند. آنچه که مقامات انتظامی حکومت آن را شایعه دشمنان انقلاب خواندند، اخباری است که در مورد ربوده شدن چندین کودک در راه مدرسه و خانه بدست گروههای ناشناس در تهران پخش شده است. گفته می‌شود آدم‌ربایان در قبال آزادی کودکان از والدین آنها طلب پول کرده‌اند. این اخبار بطور رسمی تایید نشده است اما گفته می‌شود منبع خبر خود...

تظاهرات در تهران

به گزارش سازمان برون مرزی دفتر اروپایی حزب ملت ایران، در جریان حرکت گسترده اعتراضی مردم تهران در میدان اردیبهشت ماه رخ داد، نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی به روی مردم تیراندازی کرده و گروهی را زخمی کرده‌اند. این سازمان خبری، علت تظاهرات را درج نکرده است اما خبر داده است که در سراسر هفت پانته اردیبهشت، نیروهای انتظامی و گشت‌های گوناگون به کنترل شدید امنیتی در سطح تهران اقدام کرده‌اند و همزمان یورش به زنان به بهانه بدحجابی تشدید شده است.

اعتراض در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران

جریان انتخاب واحد در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران به علت ضرب و شتم یکی از دانشجویان توسط رئیس دانشکده به اعتراض کشیده و تعطیل شد. در روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت قرار بود انتخاب واحد در این دانشکده صورت گیرد. برخلاف ترم‌های قبل مدت انتخاب واحد به یک روز تقلیل داده شد و به همین علت ازدحام جمعیت و کمبود کادر آموزشی فضای اعتراض آمیزی را بوجود آورد. رئیس دانشکده در برابر اعتراض دانشجویان به نقاشی پرداخت و یکی از دانشجویان را در حضور سایرین سلی زد. این اقدام به اعتراض دانشجویان منجر شد و آنان از ادامه انتخاب واحد در روز مذکور خودداری کردند.

توزیع کنندگان نوارهای ویدیویی اعدام میشوند

آیت‌الله یزدی رئیس قوه قضائیه طی بخشنامه به کلیه مراجع قضایی دستور داد توزیع کنندگان "نوارهای مبتذل و بی‌بهره" و "لباسهایی که استفاده از آنها خلاف شرع است" را به اشد مجازات محکوم کنند. آیت‌الله یزدی در این بخشنامه تاکید کرده است که این تصمیم در راستای مبارزه با "تجاجم فرهنگی" و بر اساس "قانون مجازات اسلامی" صورت گرفته است.

بسیجی‌های محل را کتک زدند

اختلاف بین امام جماعت مسجد سجاد در تهرانپارس و بسیجی‌های محل، باعث شد که این مسجد تعطیل شود و بدنبال این اختلاف هدهای از افراد وابسته به امام جماعت، به بسیجی‌ها حمله کرده و آنها را به شدت کتک زدند که موجب مجروح شدن هدهای از بسیجی‌ها شد. مجامعین توسط نیروهای انتظامی دستگیر و پس از چند ساعت آزاد شدند. در مورد دلایل اختلاف درگیری اطلاعاتی به ما نرسیده است.

هرسال ۲ درصد از اشتغال زنان کاسته میشود

خانم شجاعی مشاور وزیر کشور در امور زنان از افول نقش زنان در هرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ابراز نگرانی کرد و اعلام نمود سالانه به طور متوسط ۲ درصد از اشتغال زنان در کشور کاسته می‌شود. به گفته وی روند جاری ممکن است در آینده به حذف کامل زنان از هرصه اجتماع بیانجامد. وی از نحوه تصویر سیماي زن در کتب ابتدایی و رادیو تلویزیون انتقاد کرد و گفت در رادیو و تلویزیون زنان را حامل تشنجات خانوادگی و مصرف گرایی معرفی می‌کنند. وی افزود با ذهنیتی که اکنون وجود دارد ما هرگز نخواهیم توانست مشکلات اجتماعی بانوان را حل کنیم.

محاکمه جلال‌الدین فارسی آغاز شد

محاکمه جلال‌الدین فارسی در ۵ خرداد ماه در تالار جنایی کاخ دادگستری تهران آغاز شد. به نوشته مطبوعات تهران در نخستین جلسه این محاکمه جنجالی، جمعیت کثیری از وکلاء، کارآموزان وکالت، خبرنگاران و محکسان جرید حضور داشتند. رئیس دادگاه در سخنان خود در نخستین جلسه دادگاه به توضیح پیرامون دلایل اقدام خود در مورد آزادی موقت جلال‌الدین فارسی پرداخت. وی عمل خود را مطابق شرع نامید و گفت به استناد توجیه فقهی این اقدام را صورت داده است "حال این آزادی ولو برخلاف قانون باشد،" وی افزود: "قانون فرض کنیم که حاکم باشد و واجب باشد ولی می‌بینم یک قانون برخلاف نظر مجتهدین ما باشد، من یک چنین قانونی را مخالف می‌بینم و عمل کردن به آن را من هرگز رعایت نمی‌کنم. من نمی‌توانم یک بند از این قانون را رعایت کنم." رئیس دادگاه در سخنان خود که به نوبه حمایت تلویحی از جلال‌الدین فارسی تعبیر شده است، روزنامه‌هایی را که نسبت به آزادی موقت فارسی اعتراض کرده بودند به شدت مورد حمله قرار داد.

جلال‌الدین فارسی متهم است که در بهمن ماه گذشته فردی رابه نام ناصر بهمن‌خانی به قتل رسانده است. نتیجه محاکمه در پایان تیر ماه اعلام خواهد شد.

وام ۱/۲ میلیارد دلاری از ژاپن

محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد مرحله اول پرداخت وام یک میلیارد ۲۳۱ میلیون دلاری ژاپن به ایران به امضاء رسیده است وام از طریق صندوق همکاریهای اقتصادی "ماورا" البحار ژاپن بصورت تسهیلات اعتباری ترجیحی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. به گفته نوربخش بهره این وام ۳ درصد و مدت بازپرداخت آن ۲۵ سال می‌باشد. این وام قرار است در جهت ساختن سد "کارون چهار" هزینه شود. این وام بر پایه بند "ز" تبصره ۲۹ قانون برنامه اول پنجساله توسعه اقتصادی اخذ می‌شود که بر پایه آن دولت اجازه دارد برای ساخت چهار سد از جمله سد "کارون ۴" تا مبلغ ۳ میلیارد دلار از اعتبارات خارجی استفاده کنند.

ناخن دست دانش آموزی را با انبردست کشیدند!

استاد بدلیل انعکاس خبر فوق در مطبوعات، مدیر مدرسه درشتی از سمت خود معزول شد. در این میان هیچ کدام از مقامات آموزش و پرورش نسبت به اصل تنبیه بدنی که در مدارس کشور رایج است و گاه به اشکال غیر عادی نظیر فوق تبدیل می‌شود، اعتراض نکردند. گفته دانش آموزان مدرسه درشتی، تنبیه بدنی در این دبستان کاملاً رایج است، تنبیه بدنی دانش‌آموان در شیوه‌های مدرن تربیتی، اصلی مطرود و ناصحیح شناخته می‌شود اما در جمهوری اسلامی مسئولین مدارس در کاربرد آن از آزادی کامل برخوردارند.

مدیر مدرسه شهید درشتی کرج ناخن دست دانش آموزی را بخاطر شیطنت و فحیت از کلاس با انبردست کشید. این دانش آموز که جان علی محمد هلیزاده نام دارد، در کلاس پنجم درس می‌خواند. مدیر دبستان بعد از انجام این عمل ضد انسانی، از کرده خود ابراز پشیمانی کرد. اما معاون دبستان گفت: از اینکه به خاطر این مسئله کم اهمیت و اشتباه کوچک خبرنگاران به این مدرسه آمده‌اند، تعجب می‌کنم. وی خطاب به خبرنگاران گفت: حضور شما در این دبستان فقط بخاطر تنبیه یک دانش آموز، حرکت مشکوکی است که برای ریب سوال بردن ما انجام پذیرفته...

اعلام جرم دیوان عدالت اداری علیه روزنامه کیهان

دیوان عدالت اداری نسبت به روزنامه کیهان اعلام جرم کرد. این اعلام جرم به واسطه درج مطلبی با عنوان "آزادی دادگاهها مبنی بر استرداد اراضی مصادره‌ای به فئودالها باطل می‌شود" صورت گرفت. دیوان عدالت اداری، کیهان را به برخورد توهین آمیز و غیر مسئولانه متهم کرده است، به نوشته روزنامه کیهان گروهی از فئودالها و مالکین بزرگ با...

سالانه یک میلیون کودک از ورود به مدرسه محروم میمانند

مهندس عبدالعلی زاده استاندار آذربایجان شرقی در سخنرانی خود در دومین سمینار علمی و آموزشی بررسی مسایل کودکان پیش دبستانی چند استان کشور در تبریز، اعلام کرد هر سال یک میلیون کودک به علت عدم دسترسی به امکانات آموزشی و مربی کافی در سطح کشور بیسواد باقی می‌مانند. وی عدم وجود امکانات آموزشی مورد نیاز را از اهم مشکلات نظام آموزشی نامید.

صنایع تحت پوشش بنیاد جانبازان در شرف تعطیلی قرار دارند

رئیس سازمان صنایع بنیاد جانبازان و مستضعفان اعلام کرد: به دلیل عدم تأمین ارز مورد نیاز و محدودیت‌های ریالی از سوی بانک مرکزی بسیاری از صنایع تحت پوشش این نهاد با خطر تعطیلی مواجه هستند. به گفته وی ۱۲۵ واحد صنعتی تحت پوشش این بنیاد قرار دارد. احمدپور رئیس سازمان فوق افزود: این بنیاد ماهانه ۲۵ میلیارد ریال به جانبازان کمک می‌کند.

وی در قسمت دیگری از سخنان خود قانون کار را مورد حمله قرار داد و گفت: به منظور حمایت از صنایع کشور در مخاد این قانون که یک طرفه و تنها به نفع کارگران است باید تجدید نظر شود. به گفته وی اجرای این قانون مدیران واحدهای تولیدی را در برابر کارگران با مشکل روبرو ساخته و موجب کاهش تولید در این واحدها شده است.

گفتگوی عباس کیارستمی درباره فیلم "زندگی ادامه دارد"

زنده باد زندگی

مقدمه

عباس کیارستمی (فیلمساز، نقاش و عکاس) از همان زمان که بعنوان یکی از بنیانگذاران بخش سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پیش از انقلاب آغاز بکار کرد برای سینما دوستان ایرانی نامی بود آشنا.

کیارستمی با کارنامه پر بار هنری اش از معدود سینماگران ایرانیست که با دنیای ساده و ذهنیت سیال و پر جستجوی کودکان بخوبی آشناست. «مسافر»، «اولیها»، «مشق شب» و... «خانه دوست کجاست» و «کجاست» نمونه‌های بارزی از انسان گرایی کیارستمی هستند. علاوه بر اینها دید تیز او در بازیابی و بازسازی واقعیت پیچیده و پرامون و بازتاب آنها با زبان تصویری بقایت ساده و راحت از خصوصیات کارهای او است. همین ویژگیها موجب شدند تا محافل سینمایی بین‌المللی از او بعنوان کشف سینمایی جدید نام ببرند. اگر چه می‌توان گفت موفقیت‌های جهانی کیارستمی با فیلم زیبایی «خانه دوست کجاست» رقم خورد اما نباید نکته گذاشت که منتقدین سینمایی - بویژه در فرانسه - پیش از اینها، از همان هنگام نمایش فیلم «مسافر» در سال ۱۳۵۳ با آثار او آشنا بودند.

آخرین فیلم کیارستمی بنام «زندگی ادامه دارد» تا دیان دو جایزه مهم «روسلینی» و «نوعی نگاه» از جشنواره فیلم کان (۱۹۹۲) بزرگترین موفقیت جهانی را نصیب سینمای ایران کرد. این فیلم که در دومین دوره جشنواره فیلم فجر در تهران (۱۳۷۵) با نام «زندگی و دیگر هیچ» به نمایش درآمد تا همین یک ماه پیش هنوز به اکران عمومی در نیامده بود و این در حالی بود که فیلم زودتر از اکران عمومی در ایران در سینماهای اروپا به صحنه آمد!

موفقیت «زندگی ادامه دارد» توجه محافل سینمایی در اروپا را بیش از پیش به این فیلمساز ایرانی جلب کرد تا اینکه در جشنواره امسال کان (که از پنجشنبه ۱۳ مه ۹۳ آغاز شده است) عباس کیارستمی به عضویت هیئت داوران این دوره انتخاب گردید تا در کنار بزرگانی چون لوئی مال کارگردان معروف فرانسوی (رئیس هیئت داوران امسال)، امیر کوستوریکا کارگردان خوش فکر و پر استعداد بوسنیایی، کلودیا کاردیناله بازیگر معروف ایتالیایی و تنی چند از سینماگران جهان به تفاوت در مورد بهترین‌های جشنواره مهم کان بنشینند.

گفتگویی که در زیر از نظر تان مصاحبه‌ایست که روزنامه لوسواید پر تیراژترین روزنامه روزانه چاپ بلژیک با عباس کیارستمی در باره آخرین فیلم او «زندگی ادامه دارد» ترتیب داده است. گفتگوی بمناسبت نمایش این فیلم در جشنواره فیلم بروژ و در سینماهای بلژیک صورت گرفته است.

س- آیا فیلمتان را نوعی ستایش از زندگی نمی‌دانید؟
ج- این تماشاگران هستند که باید آنرا بگویند نه من. در فیلم «خانه دوست کجاست» کودکی برای پس دادن دخترچه مشق

دوستش بدنبال او می‌گشت. او را پیدا نکرد ولی در مقابل «دوستی» را یافت. در فیلم «زندگی ادامه دارد» مردی در جستجوی این دو کودک است، آنها را پیدا نمی‌کند ولی در مقابل زندگی رامی‌یابد.

س- این بدان معناست که تمام انسانهایی که در جستجوی چیزی هستند، بیشتر از آنچه که بدنبالشان هستند کشف خواهند کرد و از کشف خود سرشار خواهند شد؟
ج- همچنین اگر در زندگی دید ثابت و مشخصی داشته باشیم لازم است همیشه اندیشه باز را حفظ کرد تا پذیرای همه چیز بود.

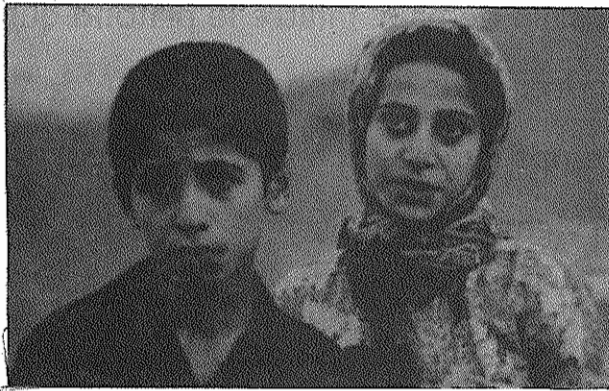
س- سینماگری خود را چگونه توضیح می‌دهید؟ آیا این یک دید ثابت نیست؟
ج- من بجز سینما اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کنم. بین «خانه دوست کجاست» و «زندگی ادامه دارد» من یک نمایشگاه عکس و مثبت کاری را به نمایش گذاشتم. من خودم را در اختیار خانواده‌ام قرار دادم. من هنگامی خود را سینماگر احساس می‌کنم که یک فیلم را می‌سازم نه قبل و نه بعد از آن.

س- و وقتی که فیلم‌های شما را نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که دوران کودکی هر بار جای بسیار مهمی را اشغال می‌کند. این دوره زندگی چه چیزی را به شما نشان می‌دهد؟

ج- من بر حسب اتفاق، ۲۲ سال قبل شروع به همکاری و کار با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کردم. در آنجا سرویس سینمایی را ایجاد نمودم و شروع بکار با کودکان کردم. این تجربه ۲۵ ساله به من اجازه می‌دهد که وارد زندگی اسرارآمیز دوران کودکی شوم و این با کار کردن با کودکان و همچنین زندگی با بچه‌های خودم بدست آمده است. حتی اگر یکروز، من نیلمی از بزرگسالان بسازم که در آن فیلم ردیابی از کودکان نباشد به آن از دید یک کودک نگاه خواهم کرد. زیرا کودکان به من آموخته‌اند که نسبت به بزرگترین نگاه درست‌تری به زندگی دارند.

س- بین دو قهرمان فیلم «زندگی ادامه دارد» شما خودتان را مطمئناً به پسرک بیشتر نزدیک میدانید تا پدر...؟

ج- البته از این حیث، کودک راضی‌پدر است. از سوی دیگر علیرغم ظاهر ویران شده و جو مصیبتی که بر اثر زمین لرزه ایجاد شده، برای کودک زندگی آهنگ روزمره خود را دارد تا مرد نیلم، برای مثال در فیلم، هنگامی که کودک تشنه است، اعلام می‌کند احتیاج به نوشیدنی دارد و وقتی که می‌خواهد نوبتال نگاه کند فوراً برای تماشا کردن آن از پدرش اجازه می‌گیرد. و یا هنگامی که او هم سن و سالگی خودش را می‌یابد، می‌خواهد با آنها بماند و توپ بازی کند... این اتفاقی نیست تمام ماجرای فیلم من مبتنی بر سمبل زندگی‌ای است که ادامه دارد و این توسط پسر بچه بیان می‌گردد. قبل از فیلم «خانه دوست کجاست» این کودک است که به ما درس می‌آموزد. او در آن فیلم به تمام آن چیزهایی که می‌بایست احترام گذاشته شود ارزش می‌دهد مثل: مسئولیت داشتن، هاشق



بودن، پشتکار داشتن، وفادار بودن به زندگی و دوستی...
س- به نظر میرسد که قبلاً به همراه پسران مسیر قهرمانان فیلم «زندگی ادامه دارد» را طی کرده‌اید؟ آیا پسران همچون قهرمان فیلم راهنمای شما در آن مسیر بوده‌اند؟

ج- در آن لحظه من متوجه نبودم. اما در برگشت وقتی تصمیم گرفتم پیشنهاد ساختن فیلم را قبول کنم و اقرار یافتم که پسر من در این سفر نقش خیلی مهمی را داشته‌است.

س- در پایان این سفر در منطقه‌ای که توسط زمین لرزه ویران شده بود آیا موفق شدید دو کودکی را که در فیلم «خانه دوست کجاست» بازی می‌کردند بیابید؟ پس چرا شما نتیجه‌ای را در فیلم ارائه نمی‌دهید؟

ج- در حقیقت، این دو کودک تنها بهانه‌ای برای این سفر بودند. در این زمین لرزه بیش از ۵۰ هزار نفر که در میان آنها ۲۵ هزار کودک وجود داشت جانشان را از دست دادند. در مقابل وسعت و گستردگی این مصیبت، چندان مهم نبود که بدانیم دو کودک که ما می‌شناختیم زنده هستند یا خیر.

اگر در آخر فیلم نشان میدادم که بچه را پیدا کرده‌ام فیلم «زندگی ادامه دارد» شبیه فیلم‌های ملودرام هندی می‌شد. برای من هیچ دلیلی وجود نداشت که این دو کودک از بقیه بچه‌های دیگر مهمتر باشند. ما به آنها علاقه‌مند بودیم تنها بخاطر اینکه می‌توانستیم از آنها تصویری را ارائه دهیم در صورتی که دیگران ناشناخته بودند. در مجموع من می‌خواستم از سمبل زندگی صحبت کنم.

س- فیلم جدید شما بین خیالی و مستند در نوسان است. آیا این برای لمس بهتر واقعیت است؟

ج- همه چیز در فیلم بازسازی شده بود. این فیلم را من در عرض یکسال و پنج ماه بعد از مصیبت زمین لرزه ساختم. اشتباه از آنجا ناشی می‌شود که تصور می‌رود نیلم را مثل یک فیلم مستند ساختم.

س- کسانی که زمین لرزه را تجربه کرده بودند و می‌خواستند آنرا دوباره در فیلم بازی کنند چه عکس‌العملی نشان دادند؟

ج- من قبلاً تجربه فیلم «نمای درشت» (close up) را داشتم. در آن فیلم مردی خود را بعنوان یک فیلمساز (مخملیاف، م) معرفی می‌کند و از این طریق خانواده‌ای را فریب می‌دهد. البته او بخاطر تجربه‌ای که با کار با فیلم‌سازان واقعی کسب کرده بود موفق به این امر شد. فیلم «نمای درشت» به من اجازه داد تا نشان دهم که مردم در کل دوست دارند جلوی دوربین حتی برای نشان دادن چینه‌های رنج‌آور ظاهر شوند. اما من دلواپس این آدمها و همچنین خودم هم بودم. زیرا سه روز پس از زلزله برای جستجوی بچه‌هایی که در فیلم بازی کردند به شمال ایران

پیگیر تر از پیش به یاری شما

به رشم کمبود و گرانی کاغذ و هزینه گران چاپ، کمتر هفته‌ویا ماهی است که خبری از انتشار نشریه جدیدی به گوش نرسد. برخی از این نشریات بویژه آنهایی که کمی قدیمی‌ترند (مثل آدینه، دنیای سخن، چیستا، کلک و...) به سبب دشواریهای یاد شده معمولاً به موقعت انتشار نمی‌یابند و گهگاه به فصلنامه تبدیل می‌شوند. برخی دیگر ظاهراً فوت و فن قلبه بر دشواریها را بهتر می‌دانند (و یا شاید مناسبات و روابط کار سازتری دارند) و از این رو انتشارشان نظم و سامان بیشتری دارد.

از ویژگیهای بارز مطبوعات سالهای اخیر تخصصی‌تر شدن آنها و تمرکز بر روی رشته‌های مشخص است. مثلاً هم اکنون سینما، گرافیک، تئاتر، نقاشی، موسیقی، عکاسی، معماری، ترجمه، فیزیک، شیمی، پزشکی، داروسازی، کامپیوتر، گیاهان شناسی، روانشناسی، حمل و نقل و... هر کدام برای خود دارای یک یا چند نشریه‌اند که گرچه برخی از انتشارات آنها در مجموع از رشد بیش علمی و گسترش حس پژوهش و ژرفکاوای در میان بخشها و اقسام مختلف جامعه حکایت دارد. نشریات منطقه‌ای و محلی نیز که تا چند سال پیش شمارشان از تعداد انگشتان یک دست فراتر نمی‌رفت، اینک به سرعت در حال گسترش‌اند. علاوه بر روزنامه‌ها، ماهنامه و گاهنامه‌هایی که در شهرهای بزرگی همچون مشهد، تبریز، شیراز، رشت، ساری و... انتشار می‌یابند، پاره‌ای از شهرهای کوچکتر نیز برای خود دارای نشریات و جراید مستقل شده‌اند.

بخشی از گسترش‌شونده فوق‌تر می‌توان ناشی از فضای بسته جامعه و بی‌محتوا یا کم‌محتوا بودن برنامه‌های رسانه‌های فراگیری همچون رادیو و تلویزیون دانست. در واقع این معضل به گونه‌ای است که بخشهایی از مردم برای دستیابی به آگاهی بیشتر و نیز پر کردن اوقات فراغت خود، به رشم گرانی سرسام آور، به خرید نشریات و کتابهای مختلف روی آورده‌اند. نژون بر آن ضعف و نارسایی سیستم آموزشی کشور و کم‌مایگی مطالب درسی و آموزشی و نوشته‌های نشریات رسمی محصلان، دانشجویان و کادرهای علمی، فنی و فنی‌رنگی را بیش از پیش به سوی بهره‌گیری از منابع مستقل و با محتوای سوق می‌دهد. اما تنوع و گونه‌گونی نشریات

مهم اینها اما بهیچوجه نافی پیوند تنگاتنگ نشریات مستقل با برآمد نهضت روشنگری و تجدید خواهی در ایران و نقش حیاتی آنها در این روند نمی‌تواند بود. امروز بخش عمده‌ای از بار اشاعه اندیشه تحول خواهی و فرهنگ دمکراتیک را همین نشریات به دوش می‌کشند. گفتن ندارد که بیشینه نشریات و مطبوعات خارج از کشور نیز همگام باین نهضت در راستای گسترش فرهنگ آزادیخواهی، تنوع طلبی، فراخ اندیشی و عقل گرایی گام بر میدارند. از این رو نشریه کار بر خود میداند که پیگیر تر از گذشته به معرفی و شناساندن نشریات کم و بیش پر بار داخل و خارج از کشور به خوانندگان خود بپردازد. در این راستا از همه افراد، نهادها و انجمن‌هایی که دست‌اندر کار انتشار نشریه مشخصی هستند می‌خواهیم که بار ارسال منظم نشریات خود به آدرس «کار» ما را در این راه یاری دهند. از همه خوانندگان و نظرمندان نیز که دارای دیدگاه و یا نقد نظری درباره کتابها و مطبوعات منتشره در داخل و خارج از کشور هستند نیز چشم یاری داریم.

گزارشی از

نمایشگاه بین‌المللی کتاب در بروکسل

در اواخر آوریل، نمایشگاه جهانی کتاب در بروکسل پایتخت بلژیک بمدت یک هفته افتتاح شد. در این نمایشگاه ۱۸۷ فرقه از کشورهای و بنگاههای انتشاراتی مختلف برپا گردید. در این نمایشگاه جمهوری اسلامی نیز فرقه‌ای را به خود اختصاص داده بود. در سرتاسر نمایشگاه شور و حال وصف ناپذیری به چشم می‌خورد. تعداد بسیار زیادی از نمایشگاه کتاب دیدن کردند. پیر و جوان و زن مرد با وسواس و توجه به فرقه‌های مختلف سرک می‌کشیدند و اطلاعات و بروشورهای گوناگون از مسئولان

س- آیا بخاطر فرار از سختی هستی است که شما به هنگام ساختن فیلم به اوهام پناه می‌برید؟
ج- من فکر می‌کنم که سینما یک رویا است. سینما به ما امکان میدهد که وارد رویاها شویم و به نظر من امکان خیال پردازی، بهترین چیزی است که خدا به انسان داده است و این بسیار زیباست. خیال پردازی به هر کس اجازه میدهد که به همه جا برود و هر کاری را با آزادی کامل انجام دهد، بدون اینکه در برابر کسی بازخواست دهد و یا مواظب نگاه نامحرم باشد. من با رویاهایم به جاهایی که ممنوع هستند وارد می‌شوم و حتی کارهایی که ممنوع هستند انجام میدهم و برای وارد شدن به این دنیا احتیاج به ویزا ندارم.

به کوشش ه. احمدیان

چرا جبهه جمهوری شکل نمیگیرد؟

به زودی حکومت چهارساله آقای رفسنجانی به پایان میرسد. چنانچه به آمار وارقام ارائه داده شده در این دوره از طرف حکومت مراجعه نمایم، خواهیم دید که تورم در کشور ما به ۳۵ درصد افزایش یافته و بیش از ۳۵ درصد از مردم در زیر خط فقر زندگی می کنند و از طرفی بیکاری، فحشا و گران بودن بطور سرسام آوری رشد کرده است. همچنین بدلیل سیاستهای غلط دولت آقای رفسنجانی بدی خارجی کشور بین ۲۵ تا ۳۵ میلیارد دلار بالغ می گردد. و در هر صدهای دیگر چون سیاست خارجی، رژیم تهران به عنوان بزرگترین حامی تروریست و بنیادگرایی شناخته شده است. این امر باعث بیشتر شدن فشارهای سیاسی و اقتصادی در هر صده بین المللی برای رژیم می گردد. تمام این فاکتورها نشانگر آن است که کشور رو به زوال و به سمت ویرانی و فاجعه عظیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می رود. امروزه میتوان قاطع تر از گذشته گفت که برنامه ۵ ساله آقای رفسنجانی نه تنها موجب "پیشرفت و توسعه کشور" نگردیده، بلکه باعث بدتر شدن زندگی روزمره مردم شده است. در این میان امیدهایی که برخی از نیروهای اپوزیسیون به آقای رفسنجانی بسته بودند همه نقش بر آب گردید. وضعیت بگونه ای پیش رفت که بعد از انتخابات مجلس چهارم و مشخص گشتن جناحی حکومتی، نیروهایی که بامید استحاله دولت آقای رفسنجانی، برنامه ها و سیاستهای خود را تنظیم کرده بودند در مقابل واقعیت شکست برنامه ۵ ساله ناچار به سکوت شدند. از طرفی دیگر کل نیروهای اپوزیسیون با وجود اینکه رژیم در بدترین و ضعیف ترین شرایط قرار دارد متأسفانه نتوانسته به سیاست واحدی برای مقابله با رژیم جمهوری اسلامی رسند و همچون گذشته در برآکندگی بسر می برند. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل اصلی که رژیم جمهوری اسلامی با توجه به تمام فشارهای داخلی و خارجی همچنان در حکومت باقی مانده است، نبود یک اپوزیسیون قوی و ترقیخواه می باشد. در این زمینه شاید مناسب باشد کمی به تجربه پیش از انقلاب بنیم مراجعه کنیم. پیش از انقلاب بدلیل وجود شرایط دیکتاتوری ۵۰ ساله و سرکوب آزادیها و از بین بردن هرگونه نهاد دموکراتیک توسط رژیم پهلوی و همچنین از طرفی پراکندگی و ضعف نیروهای اپوزیسیون ملی و چپ، آنها نتوانستند برای بعد از انقلاب بنیم الگوتاریخ حکومتی ارائه دهند. این امر باعث گردید که آیت الله خمینی با تکیه بر "جمهوری اسلامی" نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، را مطرح و سپس بر کرسی بنشاند. ما هیچگاه نتوانستیم تجربیات گذشته را چراغ راه آینده کنیم و همیشه دچار همان توهمات و گنج سربها و خود محورهای گذشته مان می باشیم و این به تجربه تاکنون جز ضرر نتیجه ای رانصیب ما نکرده است. این تجربیات باید به ما بیاموزد که در لحظه کنونی برای برکناری رژیم چپ، احزاب و سازمانها و شخصیت های سیاسی در یک جبهه تاکنون موفق نشده اند و بدلیل متأسفانه جبهه ای را تشکیل دهند. با توجه به اینکه همه آنها اعتقاد به ایجاد جبهه

جمهوریت دارند و حتی برخی از آنها حرکتها و تلاشهای بیشتری در جهت تشکیل چنین جبهه ای کرده اند ولی وجود اختلافات جزئی و بیش از انحصار طلبانه و از طرفی مسائل شخصی باعث گردیده که نتوانند در یک شکل وسیع جمهوری خواهی گرد هم آیند. اینها نیز به نوبه خود مانع تشکیل جبهه جمهوریست و دمکراسی شده اند.

با توجه به سه مورد ذکر شده میبایست پرسید در حال حاضر به چه نحوی میتوان مبارزه در راستای تشکیل جبهه جمهوری را پیش برد؟ با توجه به مشکلات و موانع موجود در حال حاضر تشکیل جبهه جمهوری و دمکراسی امکانپذیر نیست و میبایست رهبران احزاب و سازمانهای سیاسی به همکاریهای سیاسی بر سر یکسری مسائل مشترک همچون حقوق بشر، مقابله با ترور و استبداد و دفاع از آزادی و دمکراسی روی آوردند. این طریق باعث فشار و عقب نشینی رژیم جمهوری اسلامی در این هر صدها شوند و با مرور زمان این همکاریها رابه سطحی بالاتر ارتقا دهند. پس بحث و دیالوگ بین رهبران میبایست ادامه یابد. سبب علاوه بر آن طرفداران افکار جمهوریست و دمکراسی میبایست یکسری حرکات مستقل از رهبری احزاب و سازمانها انجام دهند. این حرکتها میتوانند بعنوان امر معالی تسریع کننده نزدیکها و یا به عبارتی دیگر فشار از پایین به رهبران مورد استفاده قرار گیرند. البته این به هیچ وجهی به منظور مقابله با سازمانهای سیاسی نیست بلکه بر این عقیده هستیم که احزاب و سازمانهای سیاسی سرمایه های گرانقدر مردم و کشورمان می باشند و هر کسی با توجه به توان و امکانش میبایست این ظرفیتها را تقویت کند ولی این نظر باعث این امر نمی گردد که آنها را زیر فشار از پایین و یا در مقابل کارهای انجام شده قرار نداد. در یکی دو سال اخیر در بعضی از کشورهای اروپای غربی ما شاهد ایجاد تشکلهای دموکراتیک ایرانی که اعتقاد به جمهوریست و دمکراسی دارند، هستیم. این تشکلهای همگام با ابتکار اعضا و هواداران نیروهای سیاسی چپ، ملی و افراد منفرد بوجود آمده است. این تجربیات نشانگر این است که در خارج از رهبری احزاب، نیروهای زیادی در بدنه وجود دارند که علاقمند به همکاری و فعالیت با یکدیگر می باشند. چنانچه چنین تشکلهایی بتوانند با یکدیگر در تماس مداوم قرار گرفته و از این طریق مبادرت به تبادل نظر و تجربه نمایند فکر می کنم با مرور زمان با جا افتادن این تشکلهای فدراسیونی از مجموع آنها تشکیل داد. همچنین میبایست تشکیل چنین تشکلهایی را در دیگر کشورها از طریق مقالات، ارتباطات و راههای دیگر تشویق و کمک نمود تا بلکه بدین طریق بتوانند در آینده فعالیتهای مشترک و هماهنگی را سازماندهی کنند. در این بین به نفع سازمانها و احزاب سیاسی و شخصیت های سیاسی است که از این تشکلهای حمایت نمایند زیرا این تشکلهای میتوانند کمکی به تشدید مبارزه در راستای تشکیل جبهه جمهوریست و دمکراسی شوند.

پژمان

نگاهی به مقاله "از پارسان تا امسال"

آقای هللی اکبر قنبری در کار شماره ۵۷ در بخش دیدگاهها مقاله ای تحت عنوان "از پارسان تا امسال" را تلم زده است. در این مقاله آمده است: "رفسنجانی از این ایستگاه برخوردار بود که همه ارزیابیها و پیش بینیها در داخل و خارج - شاید به استثنای نادری - به نفع او و تحکیم موقعیت و پیشرفت نقشه هایش بود." خدمت آقای قنبری مرض شود که این استثناهای نادر در واقع بخش وسیعی از اپوزیسیون و همچنین میلیونها نفر از مردم به جان آمده در داخل کشور را شامل می شود. روایت کشورهای غربی در باره آقای رفسنجانی روایت غریبی نیست. این کشورها بنا به منافع خود هر چند گاهی دست به چهره زدائی و چهره سازی ویا چهره زدائی می زنند و هدف در واقع فریب افکار عمومی در غرب و کشاندن این افکار در سمت سیاستهای خویش است. و گرنه اگر مردم هائیز این تبلیغات را باور کرده بودند دیگر شورش و بلوا توسط آنها معنایی نداشت. آقای رفسنجانی از نظریک ایرانی که با پوست و گوشت خود ۱۴ سال حکومت چ.ا. را تجربه کرده این آثار خوبی می شناسد. این آثار اگر فوتبالیست بود بدون مشکل در همه جای زمین میتوانست بازی کند. روزی مدافع سرسخت عدالت اجتماعی و کوخ نشینان و زمان دیگر مبلغ بی چون و چرای بازار آزاد و... خلاصه در هر صده این ۱۴ سال این آقایاری حفظ قدرت به هر بند بازی تن داده و از هیچ کاری که منتهی به حفظ قدرت او شود رویگردان نبوده است. با همه این تعاریف حالا چرا هنوز عده ای روشنفکر همه برنامه خود را روی حرکات چنین شخصی استوار می کنند و سر آخر هم مثل آقای قنبری از افول قدرت ایشان شوکه می شوند، بر من پوشیده است.

آقای قنبری در ادامه

اوضاع رادریایم!

در ایران، اوضاع خود ویژه ای پدید آمده است. از یکسو، بحران ژرف اقتصادی، فقدان هرگونه الگوتاریخ در چهارچوب سیستم موجود و فشار و سرکوب سیاسی، جامعه را به بن بست کشانده و باعث شده است که نارضایتی عمومی در اشکال اعتراضی گوناگون از گلایه و شکایت روزمره تا اعتصاب و خیزش های خودانگیخته مجال بروز یابد و به تعبیر کلاسیک، دوره اعتلای انقلابی آغاز شود و شرایط عینی انقلاب فراهم آید.

از سوی دیگر، ما، عوامل ذهنی یک تحول اجتماعی در انتظار بر شرایط فوق پدید نیامده است. اپوزیسیون چپ در ارائه یک الگوتاریخ کارا در مانده، سازمان های سیاسی مخالف رژیم در داخل از هم پاشیده و تفرقه و تشتت بر روابط آنها غالب است. تازه این وضعیت، ضعف عده آنان به حساب نمی آید؛ ناتوانی اپوزیسیون چپ به وضع رنجور نفوذ سیاسی و توان تشکیلاتی شان محدود نیست. درد اصلی اینجاست که چنین می نماید که شوق تحول در آنان مرده، امید به بهروزی رنگ باخته و یاس و دلبردی بر آنها فائق آمده است. ویژگی اوضاع ایران در تناقض نوق نهفته است.

سازمان های سیاسی مخالف رژیم به نظاره گر صرف وقایع بدل شده اند. و این نه فقط خاطر عدم توانایی تشکیلاتی و فقدان نفوذ

دست زده اند ولی درست در فرای سوار شدن بر خر مراد چو خفغان و بگیر و ببند را با شدت بیشتر از گذشته به اجرا در آورده اند. اگر مجسمه ساز بودم سبیل جمهوری اسلامی را بشکل هیولائی می ساختم که در یک دستش کتاب و در دست دیگر شمشیر دارد. کتاب را اگر به معنای انصاف دوستی و سازش بگیریم: تا هر کسی آمده مشغول آن شود، دست دیگر شمشیر را برگردنش فرود آورده است. مردم ایران در هر صده این چهارده سال تجربه دیگری از این هیولای هیاپوش ندیده اند. اما برای غرب مسئله به شکل دیگری مطرح است. اگر جمهوری اسلامی شاخص راز کشورهای مسلمان و عرب بشکند و فتوی مرگ سلمان رشدی که واقعا دردسری برای غرب شده را عوض کند خود بخود ۹۰ درصد قضیه حل است. حال اگر داخل کشور چه می گذرد، دمکراسی هست یا نیست، مردمان شب دارند یا ندارند، و یا حتی ترور چند ایرانی مخالف رژیم در گوشه و کنار مسائلی نیستند که چندان حساسیت برانگیز باشند. یک عربستان سعودی دیگر در منطقه حتی برای غرب میتواند خوش آیند باشد.

دار و دسته رفسنجانی و خامنه ای با وجود همه تضادهای پنهان و آشکار تاکنون به صورت دو تیغه یک تیچی عمل کرده اند که در همین تضاد در نهایت بر روی یک محور می چرخند. و این محور همانا حفظ و بقای رژیم به هر قیمتی است. ما در همین حالی که باید تضادها را مورد توجه قرار دهیم، جهت حمله را میبایست متوجه محور سازیم. زیرا با حمایت و پشتیبانی از یک طرف تنها ممکن است سر خویش را به باد دهیم. تجربه سالهای ۶۰ و ۶۱ سازمان گواه روشنی بر مصداق این سخن است که آزموده را آزمودن خطاست.

س-فرید

اینست چهره فم انگیز جنبش چپ ایران. وجه دیگر اقلب سازمانهای اپوزیسیون چپ بی برنامهگی آنهاست. آنچه بحران اقتصادی را در جامعه ما پدید آورده به قیصران هللی که در بورد اقتصاد و سیاست های نادرست گذشته، مهاجرت، تحولات اوضاع جهانی و سایر تفاسیری است که بارها گفته و نوشته شده است، بلکه در واقعیت وجودی خود این احزاب، در بی برنامهگی و فقدان استراتژی، و در نفس زندگی شان نهفته است. پیامد این وضع آن شده که گروهی خود را منحل می کنند، آن یکی از "رفسناس" فرهنگی، دچار مستی شده و فعالیت سیاسی را به کار فرهنگی محدود می سازد و دیگری به ارگان مطبوعاتی صرف بدل می شود.

بارزترین نمود "سیماهی نوین" جنبش چپ ایران، بی باوری به نقش مردم در دگرگون سازی انقلابی جامعه است. درست در اوضاعی که زمینه عینی نضج اشکال جمعی حرکت اعتراضی مردم فراهم آمده، هرگونه فعالیت سیاسی سازمان یافته مطرود اعلام می شود و آنجا هم که توصیه ای جهت فعالیت صورت می گیرد همانا در سطح فعالیت فرهنگی محدود می ماند. به عبارت دیگر، مانع نتواند تا جایی جهت تاثیر گذاری بر ایجاد و تسریع شرایط انقلابی انجام نمی دهیم بلکه حتی به نفع چنین تلاشی مبادرت می ورزیم.

اینست چهره فم انگیز جنبش چپ ایران. وجه دیگر اقلب سازمانهای اپوزیسیون چپ بی برنامهگی آنهاست. آنچه بحران اقتصادی را در جامعه ما پدید آورده به قیصران هللی که در بورد اقتصاد و سیاست های نادرست گذشته، مهاجرت، تحولات اوضاع جهانی و سایر تفاسیری است که بارها گفته و نوشته شده است، بلکه در واقعیت وجودی خود این احزاب، در بی برنامهگی و فقدان استراتژی، و در نفس زندگی شان نهفته است. پیامد این وضع آن شده که گروهی خود را منحل می کنند، آن یکی از "رفسناس" فرهنگی، دچار مستی شده و فعالیت سیاسی را به کار فرهنگی محدود می سازد و دیگری به ارگان مطبوعاتی صرف بدل می شود.

بارزترین نمود "سیماهی نوین" جنبش چپ ایران، بی باوری به نقش مردم در دگرگون سازی انقلابی جامعه است. درست در اوضاعی که زمینه عینی نضج اشکال جمعی حرکت اعتراضی مردم فراهم آمده، هرگونه فعالیت سیاسی سازمان یافته مطرود اعلام می شود و آنجا هم که توصیه ای جهت فعالیت صورت می گیرد همانا در سطح فعالیت فرهنگی محدود می ماند. به عبارت دیگر، مانع نتواند تا جایی جهت تاثیر گذاری بر ایجاد و تسریع شرایط انقلابی انجام نمی دهیم بلکه حتی به نفع چنین تلاشی مبادرت می ورزیم.

در برابر این چشم انداز ما چه آگورتاریخی ارائه می دهیم. اسناد برنامه ای جنبش چپ ایران در این خصوص بی محتواست.

فکر می کنم زمان آن رسیده که دوباره به خود ایم و به نقش و مسئولیت خود به عنوان نیروی چپ همدلتخواه و اتف شده و در جهت دگرگونی انقلابی جامعه قدم برداریم. در فیر این صورت دور نخواهد بود روزی که به حاشیه رانده شویم و به فراموش خانه تاریخ ره بسپریم.

م. مزدک

مسایل اقتصادی جامعه ما

بهرز خلیق

تدوین استراتژی توسعه مستلزم مسائل اقتصادی، سیاسی، فکری فرهنگی و اجتماعی جامعه ما است. این مسایل ابعاد فوق العاده وسیعی دارند و هر یک در خور بررسی دقیق و منطقی هستند. ولی میتوان تیزر وار به آنها اشاره کرد. در این مطلب به مسائل اقتصادی پرداخته شده است.

۱- فقر

آمار و برآورهای موجود نشان میدهد که اکثریت مردم ما هلیرفم فضای طبیعی سرزمین ایران، در وضعیت فقر بسیار گسترده قرار دارند. هم اکنون تشدید فقر و فلاکت به یکی از وجوه بارز وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه ما تبدیل گردیده است. اکثریت مردم روز بروز محروم تر و تنگدست تر میشوند و قدرت خریدشان مداوما کاهش می یابد. گرچه فقر در بین بیکاران و اقشار کم درآمد حدت بیشتری بر خوردار است ولی در طی دهه اخیر بخش وسیعی از اقشار میانی جامعه هم به فقر و فلاکت کشیده شده اند.

بنابه برآور کارشناسان اقتصادی کشور حدود ۲۲/۷ میلیون نفر بر اساس شاخص جادو سال ۱۳۶۵ زیر خط فقر بسر می بردند. در سالهای اخیر وضع مردم به مراتب بدتر شده است و قدرت خرید آنها با رشد سرسام آور تورم، بطور قابل توجهی باز هم کاهش یافته است.

وجود فقر گسترده، مانع جدی در راه توسعه کشور است. فقر الزاماً شدید شخص را کوتاه می نماید و او را از هر گونه مشارکت موثر و سازنده در تعیین سرنوشت جامعه محروم میکند.

۲- بیکاری گسترده

نرخ فعالیت در کشور ما در سطح نازلی قرار دارد (حدود ۲۹ درصد). بیکاری آشکار و پنهان در سال ۱۳۶۷ به رقم بیسابقه ۵/۸ میلیون نفر یعنی ۴۳ درصد نیروی اشتغال رسید. میزان اشتغال واقعی در این سال ۷/۸ میلیون نفر برآورده شده است. بر این پایه بار تکفل واقعی جامعه در سال ۶۷ در حدود ۶/۷ بوده است (این رقم در کشورهای صنعتی حدود ۲/۲ است). یعنی هر فرد شاغل در این سال بطور متوسط هزینه ۶/۷ نفر را تامین میکرد. با توجه به راندمان پائین کار و با در نظر گرفتن الگوی نامتعادل توزیع درآمدها، رقم مزبور میزان فقر و فلاکت را در کشور بوضوح نشان میدهد.

بالا بودن نرخ بیکاری بویژه در بین جوانان، پیامدهای فوق العاده ناگوار در زمینه مسائل اجتماعی نظیر جرایم، فساد، مشکل تشکیل خانواده بیار آورده است. بیکاری نه تنها زخم های عمیقی بر بیکار اجتماع در وضعیت کنونی وارد میکند، بلکه زمینه ساز مشکلات عمیق تر اجتماعی در آینده است.

برای حصول به اشتغال کامل لازمست که سالانه بطور متوسط ۹۵ هزار شغل جدید ایجاد شود. در حالیکه در ده سال گذشته سالانه فقط ۲۲ هزار شغل ایجاد شده است.

با توجه به مسائل بالا، مسئله بیکاری و کم کاری حداقل در ده سال آینده معضل مهم اقتصادی و اجتماعی کشور خواهد بود.

۳- توزیع نامتعادل درآمد

در دهه گذشته فاصله فقر و ثروت بطور بیسابقه ای تشدید یافته و جامعه ما نسبت به دهه های قبل قطعی تر شده است. ثروت بیکران در دست عده قلیل متمرکز شده و ناداری در بین اکثریت مردم تشدید یافته است. انباشت ثروت همدتا در بین کسانی بوده است که در فعالیتهای تولیدی دخالت کمتری داشته و فقر در بین اقشاری تشدید یافته است که بیشترین نقش را در تولید دارند. گروه های با درآمد پائین را همدتا کارگران و کشاورزان تشکیل میدهند در حالیکه گروه های پر درآمد متعلق به بخش های خدماتی و دولتی است. ضریب جینی هر قدر به عدد یک نزدیک تر باشد توزیع درآمدها نامعادله تر است و هر قدر به صفر نزدیک تر باشد توزیع درآمدها نامعادله تر است. ضریب جینی در سال ۶۷ در ایران ۷۸/۵ بوده است.

سهم ۴۵ درصد خانوارهای کم درآمد از درآمدهای کشور در سوئد ۲۵ درصد، انگلستان ۱۹ درصد، یوگسلاوی سابق ۱۸/۷ درصد، نپال ۱۲/۶ درصد است. در ایران در سال ۶۷ این رقم ۲/۹۷ درصد بوده است. در حالیکه سهم ۲۵ درصد خانواده های پر درآمد ۷۴/۸۵ درصد و سهم چهل

درصد خانواده های با درآمد متوسط ۲۲/۱۸ درصد بوده است.

۴- رشد تولید ناخالص

بر طبق برآوردهای تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۶۷ حدوداً معادل تولید در سال ۱۳۵۲ بوده است. یعنی حجم تولید کل جامعه جدا از نوسانات کوتاه مدت سالانه، طی ۱۵ سال ثابت مانده است. به عبارت دیگر ما از لحاظ میزان تولید حدود شانزده سال به عقب برگشته ایم. تولید ناخالص داخلی سرانه در سال ۱۳۶۷ در حدود ۵۵/۵ هزار ریال تخمین زده میشود که حدوداً معادل سال ۱۳۴۶ است. یعنی تولید ناخالص داخلی سرانه کشور در سال ۱۳۶۷ معادل معادل آن در ۲۱ سال پیش است. حال آنکه در این بیست سال حدود ۲۵۵ میلیارد دلار از محل صادرات نفت درآمد ارزی داشته ایم.

۵- افت بهره وری کار

بهره وری سرانه کار بطور قابل توجهی کاهش یافته است. در دهه ۶۵-۱۳۵۵ بهره وری سرانه کار حدود ۳۳ درصد پائین آمده است. کارشناسان اقتصادی کار مفید سرانه کشور را در هفته چیزی حدود ۱۰ ساعت برآورد کرده اند. بر اساس گزارش یونسکو ساعات کار مفید کارگر ایرانی طی ۸ ساعت کار شیفت کاری حدود ۳۵ دقیقه است. در بخش خدمات بازده سرانه کار در طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ نزدیک به ۷۰ درصد افت کرده است.

بهره وری سرانه کار یکی از شاخص های رشد اقتصادی است. بالا بودن میزان بهره وری کار و رشد مداوم آن نشانه پیشرفت بودن جامعه و پایین بودن آن نمود بارز عقب ماندگی است. در همین حال این شاخص نشان دهنده جایگاه فزاینده کار در جامعه است.

۶- کاهش نسبی تشکیل سرمایه

سهم تشکیل سرمایه از تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۶۷ حدود ۱۵ درصد برآورد شده است. این رقم کمترین میزان نسبی تشکیل سرمایه طی ۳۵ سال اخیر به شمار میرود (در سال ۱۳۵۵ این رقم ۳۱ درصد بود). این مسئله با توجه به افزایش استهلاك سالانه و ضربات ناشی از جنگ بر موجودی کشور، تاثیر زیانبار آن شدیدتر میشود. یکی از شاخص های مهم اقتصادی، مسئله تشکیل سرمایه است. کاهش آن نمایانگر حادثه شدن مشکلات اقتصادی کشور است.

۷- حجم و وسیع نقدینگی و تورم

نقدینگی بخش خصوصی شدیداً افزایش یافته است. نقدینگی از ۵۱/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۸ به حدود ۱۱۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ رسیده است (حدود ۲۲۰ برابر). آخرین آمارها نشان میدهد که میزان نقدینگی بیش از ۲۰۰۰۰ میلیارد ریال است.

این حجم وسیع نقدینگی بر اقتصاد کشور تاثیرات مخربی گذاشته است. قسمت اعظم این نقدینگی در بخش های غیر تولیدی یعنی خدمات، دولتی و واسطه گری متمرکز شده است. سرمایه های سرگردان هر آنجا که کوچک میکنند به تخریب اقتصاد کشور می پردازند. صاحبان نقدینگی به جهت فارتگری بی حد و حساب هر صرافی غیر تولیدی، حاضر نیستند که در بخش تولیدی به سرمایه گذاری بپردازند. حجم وسیع نقدینگی و تمرکز آن در نزد قشر بسیار محدودی از جامعه، به تشدید تورم در جامعه منجر شده است. تورم در کشور مرتباً افزایش می یابد حرکت پرشتاب گرانی آسایش را از زندگی مردم و بخصوص اقشار کم درآمد سلب کرده و فشار غیر قابل تحملی را بر آنها تحمیل نموده است. افزایش قیمت ها هر روز کالاهای بیشتری را از دسترسی اقشار کم درآمد جامعه خارج میکند. امید به برخورداری از امکانات نقل در آینده برای اقشار وسیعی از مردم روز بروز رنگ می بازد.

۸- رشد شتابان جمعیت

هر سال بطور متوسط دو میلیون نفر بر جمعیت کشور افزوده میشود. نرخ رشد جمعیت کشور دو برابر نرخ رشد متوسط است. با وجود اعمال سیاستهای کنترل جمعیت، بعلت مکانیزم های درونی حرکت های جمعیتی باید انتظار داشت که ظرف بیست سال آینده جمعیت کشور به حدود ۱۰۵ میلیون نفر بالغ گردد.

افزایش انفجار گونه جمیت امکانات موجود را بلعیده و به عامل معمی در تشدید فقر و عقب ماندگی جامعه تبدیل شده است.

۹- فول بوروکراسی

دستگاه اداری در کشور ما نقش پس هظیمی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور دارد. قرار گرفتن ارز کلان حاصل از فروش نفت در دست دولت، حجم هظیم بخش دولتی در اقتصاد کشور، جذب نیروی هظیم کار در دستگاه دولتی، بلعیدن بخش اعظم بودجه کشور توسط دستگاه اداری نقش فوق العاده به دیوانسالاری بخشیده است. دستگاه اداری مابشدد متورم و متمرکز بود و کارایی آن شدیداً افت کرده است. در یک گزارش اقتصادی که در سال ۶۴ از سوی سازمان برنامه و بودجه منتشر شد، آمده است که نسبت سرمایه گذاری (هزینه) دولتی برای افزایش یک واحد برکل تولیدات قبل از انقلاب بصمن معادل ۳/۵ ولی بعد از انقلاب در سال ۶۳ معادل ۲۱ بوده است که حکایت از ۶ برابر شدن هزینه های دولت برای پیش بردن فیزیکی حجم مهینی از کار همرانی است. این امر به معنی انحطاط در کارایی بوروکراسی و بالا رفتن هزینه تولید است. در طی سالهای ۶۴ به بعد به همل گوناگون کارایی و کفایت دستگاه دولتی انحطاط بیشتری یافته است.

دستگاه اداری کشور سدر راه توسعه است و در عقب ماندن جامعه، کاهش تولید و ایجاد مشکلات همدیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نقش جدی دارد.

۱۰- بورژوازی فاسد

فساد مالی و رشوه خواری به شدت در ادارات کشور رواج یافته است. اکثر مسئولین حکومتی هر قدر توانسته اند جیب های خود را پر کرده اند. آنها با بنیادها، صندوق های قرض الحسنه، موسسات تجاری و تولیدی به زد و بند می پردازند، اطلاعات دقیق از برنامه ها و سیاستهای رژیم را میغروشدند، برای صدور اجازه فعالیت به شرکت ها و برای راه انداختن کارهای مردم رشوه های کلان می گیرند، گردانندگان حکومت بانها مختلف از خریدهای خارجی سوء استفاده میکنند، از قرار دادهایی که با شرکت های خارجی می بینند، حق السهم دریافت میکنند. از بطن فساد گسترده، بورژوازی بوروکراتیک فاسد بر سر آورده است که نقش مخرب را در اقتصاد کشور دارد و از قبل موقعیت خود را اندوختنی میکند.

در همین حال در پرتو رشد بخش تجاری و دولتی، بورژوازی دلال صفت پدید آمده است که خلعت انگلی و ضد تولیدی دارد و هم چون زالو خون اقتصاد کشور را می مکد. این دو قشر هامل باز دارنده در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند.

۱۱- مسائل ساختاری

رشد سرطان گونه بخش خدمات

بخش خدمات بشدت متورم شده و سهم آن در تولید ناخالص داخلی به حدود ۵۳ درصد رسیده است. در حالیکه سهم بخش کشاورزی در حدود ۱۴ درصد، صنعت و معدن ۱۳ درصد، نفت ۱۴ درصد و سهم سایر بخش ها در حدود ۶ درصد برآورد گردیده است.

در شرایط عقب ماندگی اقتصادی سهم بخش خدمات در حقیقت نشان دهنده هدم تعادل های وسیع در اقتصاد و از جمله هدم تطابق گسترده عرضه و تقاضا است. رشد سرطان گونه بخش خدمات موجب گردیده است که بخش مهمی از کل نیروی فعال کشور در کارهای غیر مولد و مشاغل کاذب متمرکز شوند. آمار نشان میدهد که مشاغل غیر تولیدی و کاذب در طی سالهای ۶۶-۱۳۵۵ حدود ۷/۵ برابر افزایش یافته است. یعنی از رقم ۹۸۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است.

کسترش بیش از حد و حساب بخش خدمات بار شد منعی صنعت و رشد اندک کشاورزی به گسستگی

خط مشی یانفی مشی؟

ادامه از صفحه ۹

جوامع صفتی است که بدون آنها معضلات جوامع بشری قابل حل نخواهد بود. دسته سوم احزاب سازمانگر توده ای هستند. این گونه احزاب در شکل های اولیه اش در دروان جنبش کارگری وجود داشته و بخشهایی از آنها تشکیل میدادند ولی همدتا به شکل امروزی آن، محصول شرایط دوران پس از جنگ و خصوصاً دوران جنبشهای روشنفکری ضد اتوریته در دهه ۵۰ و ۶۰ می باشند که در دهه ۷۰ توام کامل گرفتند. این احزاب

میان بخش های تولیدی دامن زده است. یکی از ویژگی های اسفبار اقتصاد کشور ما، خدماتی بودن اکثر فعالیت های اقتصادی است.

بعد از انقلاب موانع زیادی در مقابل رشد تولیدات صنعتی به وجود آمد در حالیکه راه برای فعالیت های تجاری، دولتی و واسطه گری و سیعاباز شد و رشد ثروت هظیمی در این بخش متمرکز گردید. میتوان گفت مناسبات سرمایه داری در دوره بعد از انقلاب بهمن در بخش خصوصی در وجه غالب در بخش تجاری و خدمات دولتی و واسطه گری رشد کرده و تاثیرات فوق العاده زیانبار بر وضع اقتصادی و اجتماعی کشور گذاشته است.

دوگانگی شدید ساختار اقتصادی

تحولات اقتصادی دهه های اخیر کشور با انقطاع و هدم پیوستگی و هدم تداوم شدید مواجه بوده است. از یکسو بخش هظیمی ز فعالیت ها در اقتصاد سنتی و باتکنولوژی سده های قبل صورت می گیرد و از طرف دیگر فعالیت های مدرن صنعتی در بخش دیگر. این هدم پیوستگی و هدم تعادل علی الاصول خلعت ذاتی هر فرایند توسعه است. چرا که تمامی اقتصاد در هیچ جامعه ای به یکباره و دفعتاً از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول نمی شود. اما آنچه در شرایط ایران غیر طبیعی است، دوگانگی شدید و جدایی نسبتاً کامل بین آن دو است که باعث میشود ضریب سرمایه در جامعه ما به مراتب بالاتر از حد طبیعی باشد و استفاده مطلوب از سرمایه گذار یجا به همل نیاید. چرا که اثرات تیل و بعد از تولید در طرح ها و سرمایه گذاریها بسیار محدود است.

وابستگی یطر نه تولید به دنیای خارج

اقتصاد کشور بطور یگطرفه شدیداً به دنیای خارج وابسته است. این وابستگی در بخش های تولیدی چشمگیر تر است. این امر موجب میشود که تولیدات کشور وسیعاً به منبع درآمد ارزی وابسته شوند و بخش مهمی از درآمد ارزی کشور صرف واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه ای، قطعات یدکی و وسایل تولید شود. بعلاوه این امر با توجه به نوسانات درآمد ارزی، موجب میشود که اقتصاد کشور به مرض روز مرگی مبتلا شود و با تشدید بحرانها و کاهش درآمد ارزی، تولید به رکود گرداید و منابع اقتصادی کشور تلف شود.

مصرف جامعه ما نیز از طرق زیر به جهان خارج وابسته است:

- وابستگی مستقیم مصرف کالاهای اساسی و غیر اساسی از طریق واردات مستقیم کالاهای مصرفی در حجم قابل توجه

وابستگی غیر مستقیم از طریق مصرف کالاهایی که تولیدشان در داخل به مواد واسطه و قطعات یدکی و وسایل سرمایه ای خارجی وابسته است.

این امر یکی از همل مهم هدم تعادل ها، بحرانها و ناهنجاریها در اقتصاد کشور است.

اقتصاد تک محصولی

اقتصاد کشور ما تک محصولی است و تمام درآمدها تقریباً کل فعالیت های اقتصادی ما به این محصول یعنی نفت وابسته است به گونه ای که بنظر میرسد که اگر روزی تولید نفت قطع شود بلافاصله تمام فعالیت های اقتصادی ما را کد خواهد شد.

عقب ماندگی بافت فنی تولید

مهمترین ویژگی و به عبارتی جوهر رشد اقتصادی این است که جامعه ای توانسته باشد فرایندهای تولید خود را در علوم و فنون بشری جدید منکی سازد. این کار نیاز مند بالا بودن سهم سرمایه در تولید و بنیه قوی تخصصی نیروی کار است. آمارهای موجود نشان میدهد تعداد دانشمندان، مهندسین و محققان ایرانی در مقایسه با بسیاری از کشورهای در سطح نازلی قرار دارد. وضعیت نیروی کار، و وضعیت معلمان و استادان کشور و سطح نازل هزینه های سرانه نشان میدهد که بافت فنی تولید در جامعه ما چقدر عقب مانده است.

صفت "توده ای" را نه از احزاب پارلمانی و سازمانگری را از احزاب سازمانگر انقلابی بعاریت گرفته اند. البته اشتباه است اگر این احزاب را صرفاً بعنوان پدیده ای که در وسط دو گروه اول قرار دارند تصور نمود. پایبندی به اصول انتخابات، تلاش برای تدوین برنامه هایی که نه تنها انتخاباتی بلکه تحولات ساختاری را شامل میگرد، طرح ایده های ضروری، نه باسنجش رای، و سازمانگری توده ای به منظور تاثیر گذاری بیشتر بر پروسه های سیاسی، شیوه های خاص این دسته احزاب به شمار می رود.

شناخت دینی در برابر

بخش اول

محمد برقی

شناخت علوم تجربی

زمینه و پیشینه اختلافات بین فقه سنتی و اندیشه اسلامی خواهان فرم در بینش دینی ؛ یکی از موانع رشد و افکندن بینش و نظام حرفی در جامعه ما تحول نیافتن دیدگاهها و مبانی مذهبی و مقاومت و جان سختی آنها در برابر پذیرش و آمیزش با عناصر عقلانی و دستاوردهای علمی معاصر بوده است. نزدیکی و همگامی فقا و اصحاب دین با مراکز عمده قدرت راهی توان از دلیل عمده این امر دانست. این محافل پیوسته هرگونه تحولی را عامل سست شدن پایه‌های قدرت و کم رنگ شدن اعتبار خود تلقی کرده‌اند. در واقع در هنگامه‌ای که اروپاییان از رهگذر نهضت پروتستانیسم به کاستن از نقش مذهب در سامان دادن به زندگی سیاسی و اجتماعی خود پرداخته و در تدارک زمینه‌های رشد نظام حرفی در جوامع خود بودند، شاهان صفوی در ایران با برکنشدن تشیع به سطح مذهب رسمی رشد اندیشه عقلانی و تنوع باورها را محدود ساخته و با پس زدن عرفان و فلسفه، فقه خشک شیعی را بر همه شئون حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه حاکم نمودند. فقه‌های شیعه از آن پس با پشتگرایی به خنجربران حکام و امیران به پاسداری از جمود احکام و اصول اسلام و صدور فتوای قدرت پسند پرداخته و هرگونه تحول خواهی مذهبی را به شمشیر خونریز حاکم وقت احاله می‌دادند. این روند بعدها تا دوران قاجار نیز ادامه یافت که نمود بارز آن در مشروعه خواهی مرتجعانه شیخ فضل‌الله نوری و ستیز وی با اندیشه مشروطیت می‌توان مشاهده کرد. کسروی در "تاریخ مشروطه ایران" مینویسد که به عقیده شیخ فضل‌الله ورود افکار غربی به جامعه ایران و تدوین قانون اساسی مبتنی بر اصل برابری تمام شهروندان عملی غیر اسلامی است که پایه‌های جامعه را سست می‌کند. در دوران سلسله پهلوی نیز که

رضا شاه می‌خواست جامعه مدنی را از راه زور و یا تکیه به احکام و فرامین سیاسی در ایران جا بیندازد، روحانیت با در خطر دیدن حیات معنوی و صنعتی خود در موضعی دفاعی قرار گرفت و پاسداری از احکام و اصول خشک به ارث رسیده از قرون گذشته و باز نگهداشتن حوزه‌ها برایش مبرم‌تر و مهم‌تر از اندیشیدن بر هرگونه تحولی در راستای همگامی با تحولات زمانه بود. پس از رضا شاه نیز کماکان در بر همین پاشنه چرخید و روحانیت و مراجع عمده حوزه‌ها از ستیز خود با شاه و پیرایش جامعه مدنی در ایران پاپس نکشیدند. کشاکش خمینی با شاه در واقع نه بر سر نارساییها و ضعف‌های پروژه نوسازی، بلکه اصولاً بر سر انجام و یا عدم انجام آن دور میزد.

در دهه ۴۰ و ۵۰ کسانی همچون هلی شریعی از خارج از حوزه‌ها کوشیدند تا با توسل به مکاتب جامعه شناسی و اقتصادی معاصر، اصول، مبانی و روش شناسی اسلام را نوسازی کرده و روح تازه‌ای در کالبد آن بدمند. تلاش شریعی وامثال او به رقم غفلت بار سیاسی آن و همیق و ژرف نبودنش حداقل موجب گرایش سیاسی بخشی از جوانان و روشنفکران تحول طلب به سوی اسلام و تمجیز بیشتر روحانیت برای انقلاب بهمن گردید. همین امر تا پیش از انقلاب باعث میشد که بخش بزرگی از روحانیت به رقم مخالفتش با اندیشه‌های شریعی چندان پایبند و آشود و با در افتان با او خرد را پیش از پیش در مظان اتهام عقب ماندگی و تحجر قرار ندهد.

با به قدرت رسیدن روحانیت، اسلام از صورت یک جهان بینی و بینش نقاد، به صورت یک ایده حکومتگر درآمد که میبایست به کوچکترین تا بزرگترین مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... پاسخ دهد و در هر زمینه‌ای حرف و سیاستی متناسب پیش نهد. احکام و اصول اولیه قرآن و روایات و فتاوی مجتهدین

پیشین بهیچوجه از عمده چنین کاری بر نمی‌آمد. در واقع تلاش برای یافتن پاسخ به مسائل مختلف اجتماعی موجب شد که ضعف و نارسایی مبانی و معیارهای اسلامی در پاسخگویی به معضلات معاصر بیشتر آشکار شود و اندیشه تحول و دگرگونی در روش و بینش نیروهای اسلامی حاکم هواداران بیشتری بیابد. این روند به جبهه‌گیری‌های مختلف در میان این نیروها انجامید که عمدترین آنها را میتوان درگتلمان فقا و تحول نیروهای پاسدار سکون و تحول ستیز با جریانه‌ها و نیروهای مذهبی تحول طلب باز یافت. بحثی که چندی پیش میان عبدالکریم سروش و ناصر مکارم شیرازی بر سر وحدت حوزه و دانشگاه در گرفت، در واقع ادامه جدل و گتمانی بود که از چندین سال پیش میان دو نیروی عمده نامبرده جریان دارد که نتیجه آن می‌تواند صرفنظر از بقاء یا عدم بقاء رژیم، تأثیرات سازنده و یا بازدارنده‌ای در گسترش جامعه حرفی و نهادهای مدنی در ایران داشته باشد. بخشی از آنچه که تحت عنوان "لزوم رفرم در دین اسلام" در برنامه پیشنهادی سازمان آمده است به همین بحث و جدل‌های درون نیروهای مذهبی نظر دارد.

آنچه که در پی می‌آید نشرده نوشتاری است به قلم آقای محمد برقی در باب اختلاف میان فقهی سنت‌گرا و مذهبیون تحول خواه، چاپ این مقاله را به لحاظ محتوای کلی آن و اطلاعاتی که در مورد محورهای عمده اختلاف میان دو جناح مذکور به دست می‌دهد، سودمند دانستیم. متن کامل این مقاله که عنوان "شناخت دینی در برابر شناخت علوم تجربی" را بر خود دارد در شماره هشتم فصلنامه وزین کنکاش (چاپ آمریکا) درج گردیده است. نشرده این نوشتار را طی دو شماره نشریه کار خواهید خواند که بخش اول آن در این شماره چاپ می‌شود.

تمام نهادها یار فربی و فاصب خواند. تنها از دهه چهل شمسی به بعد است که نیم نگاهی به تمدن جدید می‌انگند، آنهم در حد بهره‌گیری اجباری از پاره‌ای از تکنولوژی آن. از سوی دیگر، چون جامعه خارج از عملکرد حوزه‌های علمیه و روحانیت و بسوی تجدد و آشنایی با علوم جدید رفت، در نتیجه دین گرایان تحصیلکرده در نظام جدید و یا خارج از قلمرو حوزه‌ها ناگزیر خود در جهت هماهنگی دین با دانش نوین و زندگی جدید به تلاش‌هایی دست زدند، از جمله: سنگلجی و هصار و تمشه‌ای در زمان رضا شاه، مهندس بازرگان و "انجمن اسلامی مهندسین و پزشکان"، "سوسیالیست‌های انقلابی" (خدا پرست) به رهبری دکتر نخشب، نهضت آزادی، آیت‌الله محمود طالقانی و یارانش در مسجد هدایت، جلسات "گفتار ماه" در اوایل دهه چهل، حسینیه ارشاد و دکتر علی شریعی که سازمان های مجاهدین خلق و "فرقان" زاده آن بود، آیت‌الله مطهری و تلاش‌هایی که در مساجدی چون امیرالمومنین صورت می‌گرفت و... بطور کلی ویژگی‌های چندی را برای این حرکت‌ها، با تاملی تفاوت ها شان، می‌توان شمرد:

- ۱- رهبری حرکت بدست نیروهای مذهبی غیر روحانی است.
- ۲- برخوردها با علوم و تمدن جدید یا حالت دفاعی دارند، یا سازشکارانه و یا التقاطی.
- ۳- برتری اندیشه علمی جدید در مقابل نظام فکری موجود معارف دینی که در حوزه‌ها تدریس می‌شود پذیرفته شده است، و صحت دستاوردهای علمی جدید چنان مورد قبول است که همخوانی آن با

داده‌های دینی دلیلی برای اعتبار دین بحساب می‌آید.

۴- ادعا می‌شود که اسلام راستین هذالت خواه، خواستار توزیع عادلانه ثروت، ضد استبداد و مشوق علم و نوآوری است.

۵- مخالفت با مارکسیسم به خاطر محور مادی‌گری در آن.

۶- ایراد اساسی به فرب معطوف به نگرش انسان مدارانه و انحرافات اخلاقی آن است.

۷- ادعا می‌شود که روحانیت، معاصر و همگام با زمان نیست، ولی چون متوجه اهمیت حضور آن در بسبج توده‌ها می‌باشند از آن بعلت محافظه‌کاری‌ها و بر خوردهای و پسگرایانه‌اش سخت انتقاد می‌کنند و آن را شایسته رهبری نمی‌دانند.

با آنکه تمامی این گروه‌ها خواستار تحول در سازمان روحانیت و تغییر نظام آموزشی حوزه‌ها بمنظور هماهنگ کردن آنها با زمانه بودند اما دو مسئله مانع همگامی و تکمیل و کشاندن مباحث به سطح برخوردهای جدی نظری می‌شد در نتیجه تأثیر آنها با محدود به مسایل سطحی و حاشیه‌ای می‌شد و یا از سوی حوزه‌ها ناشنیده می‌ماند، اول، جو سیاسی کشور و سیاسی شدن سریع مانع هرگونه تکثری بود. از جمله عموم این حرکت‌ها بلافاصله متوجه تشویق و تحریک روحانیت برای ورود به صحنه سیاست به امید بسبج توده‌ها می‌شد. دکتر شریعی یک نمونه بارز آنست که با وجود تمامی وسعت تأثیرش در جامعه و بویژه در نسل جوان عمده مسایل مورد نظرش ایجاد تحرك سیاسی و یا زنگار زدایی از ماشین پوشیده معارف دینی بود. لذا هیچگاه کارش به سطح طرح مسایل اساسی نظری و پایه‌ای نینجامید. به همین سبب مخالفان اصلی او روضه خوانی در تهران بنام شیخ کافی و منبری کم‌مایه‌ای بنام شیخ عباسعلی اسلامی و بازاری تازه محقق شده‌ای بنام انصاری بودند. در حوزه‌ها و در مجالس خصوصی علما نیز اگر سخنی از او رفته است بیشتر از بابت مسایل سیاسی و هوآقب تأثیر آموزش‌های او در جوانان بوده است تا یک برخورد جدی علمی و نظری با مباحث او. دوم، عدم ضرورت اساسی و فوری و جدی تا روحانیت تهر کرده از تمدن جدید از خواب خوشی که در گوشه مدارس در آن فرورفته بود بیدار کند و مجبور به حضور فعال در صحنه اجتماع و پاسخگویی به مسایل روز سازد.

در دوران حوزه‌ها نیز از دهه سی حرکتی پا گرفت که در دهه پنجاه گسترش بیشتر می‌یافت و این حرکت نیز دو جنبه داشت: یکی سیاسی که وجه غالب بود و بعلت همین قلبه بعد سیاسی هیچ‌گاه به همگامی نظری دست نیافت، و دیگری استفاده محدود از علوم و فنون جدید به حکم جبر زمانه ولی به منظور تبلیغ افکار موجود و نقش و نگار زدن بر دیوارهای کهنه و فرسوده بنای موجود. به همین سبب تلاش‌های محدودی از جمله "گفتار ماه" و طرح مسایل نظری در آفتاب دهه چهل شمسی پا نگرفت و پیش از آنکه از نقطه نظر تئوریک قوام لازم را بیابد به خاموشی سپرده شد (درین خصوص رجوع کنید به: "احیاء فکر دینی و اسلام سیاسی در ایران" نوشته هلی آشتیانی) کنکاش، دفتر پنجم).

با پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در سال ۵۷ شرایط و ضرورت های تحول فکری فراهم آمد. زیرا اولاً چون مذهب خود حاکم شده بود دیگر تمام مباحث قبلی برای تشویق مذهب برای ورود در سیاست غیر لازم بود. ثانیاً مذهب از صورت یک نیروی مخالف حکومت و نقاد بدرآمده بود و دیگر نمیتوانست به بیان کلیات و ارجاج افراد به آینده، و اینکه مثلاً اگر خمس و زکات داده شود همه مشکلات اقتصادی حل می‌شود، اکتفا کند و کتابهایی که در ایام مخالف خوانی جلب نظر بسیار می‌کرد چون "فلسفه ما و اقتصاد ما" از آیت‌الله صدر، "مالکیت در اسلام" آیت‌الله طالقانی، "اقتصاد توحیدی" بنی صدر، حال در اوج خود کتب مقدماتی و کلی‌ای بودند که به هیچ وجه قادر به گره گشایی از مسایل عملی نبودند. ثالثاً اگر در زمان نداشتن قدرت، به حکم ضرورت‌های سیاسی و عدم توسعه نظریه‌ها، با مسامحه و آسان گیری از التقاط‌های موجود یا خطاهای نظری چشم پوشیده می‌شد، در زمان قدرت و در صحنه عمل هیچ یک از این مسایل قابل گذشت نبود و منافع قشرهای مختلف اجازه نمی‌داد که مسایلی چون مالکیت، بانک‌ها، مدیریت شورایی با ولایتی، احکام ازدواج و طلاق، قوانین قصاص و دهها و دهها مسایل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دیگر بدون برخورد نظری و درگیری گروه‌ها به اجرا درآید. به عبارتی، پشتوانه عملی بحث‌ها، برخورد نظرات را از مدرسه‌ها به میدان اجتماع کشانید و ناچار بر خوردهای جدی و اساسی شد.

از سوی دیگر فقیهان و مذهب گرایان که قدرت را بدست گرفته بودند و از آنان انتظار می‌رفت جوابی برای پرسش‌هایی که هر روز به تعدادشان افزوده می‌شد داشته باشند، متوجه ضعف خود شدند و در عمل دیدند که آگاهی‌های محدود آنان در

مسایل عبادی و اخلاقیات و دانش کهنه شده و اعتبارشان در زمینه‌های چندی چون عقود و مبادلات کمتر از آن است که حتا ابتدایی ترین توقعات را برآورد. آنان در عمل دیدند که قهرشان با تجدد و دستاوردهای آن، آنان را سخت ناتوان کرده است. آنان در حالیکه هنوز مسئله موسیقی و استفاده از رادیو و تلویزیون را حل نکرده بودند باید رهبری جامعه را در جهانی بدست بگیرند که امواج رادیویی و تلویزیونی از شهرهای بزرگ اروپا تا کوره دهات آفریقا را زیر پوشش دارند و در حالیکه اطلاعات آنان در احکام را هنوز محدود به کاربرد آن در معاملات تجارتی یا غیر تجارتی قرون گذشته و کلاهای چونی مویز و کشمش و قلات است باید راه اسلامی مواجهه با بانکهای جهانی که حکم قلب جهان اقتصادی موجود را دارند و از سیستم‌های مالی و اداری بسیار پیچیده برخوردارند، را بیابند. به همین سبب مجتهد شبستری می‌گوید: "اینکه حوزه‌های فقاقت ما حساب خود را از علوم انسانی جدا کرده‌اند و بدون اطلاع از آنچه در این علوم می‌گذرد به کار خود مشغولند موجب این گردیده است که امروزه نه فلسفه حقوقی مدنی داریم، نه فلسفه اخلاق مدون، و نه فلسفه سیاست و فلسفه اقتصاد بدون در دست داشتن نظریاتی متقن و قابل دفاع در این زمینه‌ها چگونه می‌توان صحبت از احکام و ارزش‌های جهانی و ابدی نمود؟ چگونه می‌توان به محافل بین‌المللی راه یافت؟"

همانگونه که اشاره شد این ناتوانی تنها در عدم اطلاع و عدم استخراج احکام از متون نیست، بلکه خود روش‌هاست که مورد سؤال است و اینکه آیا روحانیت موجود با سیستم آموزشی خود و بهتر از آن بارش خود در شناخت قادر به حل مسایل هست یا می‌باید اصلاح این خانه را از پایه‌هایش آغاز کرد. دامنه مشکل نظری تا بدانجاست که حتی حضور رهبر نیرومدی چون آیت‌الله خمینی نیز قادر به حل بنیانی مشکلات نبود. حتی او که در نهایت پیچیدگی کارها از امتیاز مرجعیت خود استفاده می‌کرد و با صدور فتوایی به مباحث نظری خاتمه می‌داد ناگزیر شد مسئله ولایت مطلقه را مطرح کند و دولت را "شارع" بخواند و اینکه به هیچ یک از مسایل نظری مربوط به این حکم پاسخی داده شود، از جمله تکلیف شارع بودن دولت با مسایل فقهی و فتاوی دیگر علما، چه خواهد شد؟ همگامی این نظر با مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان چگونه خواهد بود؟ اگر احکام دولتی احکام اولیه باشند و دولت بتواند حتا احکام حج و نماز و روزه را موقتاً تعویض کند مسئله مرجعیت و تقلید چگونه خواهد بود؟

از سویی اگر ضرورت‌های سیاسی لزوم ارائه راه‌حلهای فوری را ایجاب میکند بدون داشتن پشتوانه تئوریک و نظری، هر لحظه عمل حکومت، آنهم حکومت مبتنی بر ایدئولوژی، با اشکال مواجه خواهد شد. لذا مسئله نیاز به تغییر در اصول بینشی، در معرفت دینی و تحولی بنیانی در فقه و روش‌های آن، بازبینی مسئله شناخت و روش‌های مورد استفاده آن در علوم دینی ضرورت بسیار پیدا کرد. پس از آنکه "اسلام فقاقتی" قادر به حذف نیروهای مذهبی دیگر چون نهضت آزادی، بنی صدر و مجاهدین و فیه‌ره شده است حال پای خود فقاقت است که در میان است و ارائه تعریف دقیق از همین مفهوم و تعیین حوزه عمل و شیوه کار آن، و اینجاست که شرایطی مساعد برای حمله به اساسی‌ترین بخش معارف دینی موجود یعنی فقاقت و شیوه عمل و روش کار آن فراهم می‌آید. این حملات و برخوردها دیگر بر خوردهای سطحی و سیاسی نیست بلکه مسئله شناخت و تحول بنیانی آن مطرح است.

در تشریح نظریه بسط و قبض تئوریک در شریعت، که با نام سروش شناخته شده ما جابجا از مقالات "عقل و دین"، "حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری سود جستیم"، زیرا همانگونه که اشاره شد وی همان نظر را از زاویه یک فرد از درون حوزه علمیه و با پختگی و تسلط بسیار بر موضوع مطرح کرده است، اما چرا نوشته‌های او، که پیش از نوشته‌های سروش آغاز شده، اینهمه بحث برانگیز نشده است؟ نخست آنکه ایشان فردی از درون جامعه روحانیت است و اختلاف نظرش از دید دیگر فقها یک اختلاف درون گروهی به شمار می‌آید، در حالیکه سروش دنباله راه همان اختلاف دیرینه دین همانگونه که اشاره شد فقها دانش دینی را تخصص خود می‌دانند و به آسانی حضور یک منتقد خارجی را پذیرا نیستند، از سوی دیگر مذهبیون متجدد نیز از سال‌های قبل بر این باور بوده‌اند که روحانیت جدا مانده از دانش زمان درکی از مسایل روز و تحولات نشریات و وسایل ارتباط جمعی غالباً در دست مذهبیون متجدد و غیر روحانی است و اینان به کارهای امثال سروش که مجهز به دانش روز هستند اقبال بیشتری دارند. سوم آنکه سروش از این مسایل یک نظریه منسجم و هماهنگ ساخته است.

ادامه دارد

انقلاب، سرنگونی، واقعیت امروز جامعه مان

با عرض سلام و فشردن دست یکایک شمارفتای عزیز بدینوسیله مطلب زیر که، پیرامون تدوین سند خط مشی سیاسی سازمانها تنظیم شده است، را به کنگره سوم سازمانها تقدیم کرده و بر این اساس تقاضا دارم، جهت بحث در سطح سازمانها و جنبش، این مطلب در نشریه کار بطور کامل درج گردد. لازم به ذکر است که این سند باز نویسی، بازنگری و تدقیق شده سندی است که توسط اینجانب، بر اساس تقاضای جمعی از فعالین سازمان در داخل کشور، مندرج در نشریه کار شماره ۴ به تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۰، به کنگره دوم سازمانها تقدیم شده بود و در حال حاضر پس از گذشت یکسال و نیم از آن، با

توجه به تقاضای مکرر من جهت انتشار بیرونی آن سند، بنابه دلایلی که از آن اطلاع ندارم متأسفانه اینکار به انجام نرسیده است. ولی با ایمان و اعتقاد به موجودیت و دمکراسی درون سازمانی و احترام به حقوق اقلیت فکری و نظری و امکان نشر نظرات آنان در سازمانها و با توجه به شناخت از حسن نیت شما و امانتداریتان، مجدداً تقاضا دارم که این مطلب موجود هر چه زودتر در نشریه سازمان با این مقدمه و تحت همین عنوان چاپ گردد تا فرصتی مناسب جهت بحث و فصل پیرامون آن قبل از کنگره سوم برای رفقا موجود باشد.

مطلبی که در زیر می آید همدتا در راستای تدوین سند خط

خط مشی یا نفی مشی؟

مسعود میرا شد

حکومت های غیر وابسته کشورهای در حال رشد که شیوه استبداد در پیش گرفته اند در چهار چوب یک خط مشی جانمیگیرند

بخش اول

اینکه در هر مقطع پروسه سیاست چه پارامترهایی نقش کلیدی دارند در موضوعی است که در این مطلب نمی گنجد، آنچه که بیشتر به موضع ما بر میگردد نقش حزب سیاسی در این گیرودار است. تجربه در جوامع مختلف نشان میدهد که بموازات رشد یافتگی جامعه نقش احزاب و جریانات سیاسی در پروسه سیاست محدودتر است، مثلاً اگر در افغانستان این یا آن جریان سیاسی کمکان مطلق پروسه سیاست محسوب میگردد، در ایران این نقش محدودتر و در آلمان و یا سوئد باز هم محدودتر است. این نکته از آنروست که به تناسب رشد جامعه، ساختارهای نوینی پدیدار میگردد که هر یک به نوبه خود پارامترهایی تأثیرگذار در پروسه سیاست محسوب می شوند.

عالم سیاست صدها و صدها شکل گوناگون حزبی با اهداف، روشها و ایدئولوژیهای مختلف بخود دیده است. این احزاب را می توان بر مبنای متفاوتی تقسیم بندی نمود و بسته به اینکه چه پارامترهایی را مبنا قرار دهیم، نتایج گوناگونی بدست آورد. از آنجا که مساله مورد بحث، تأثیرگذاری احزاب بر پروسه های سیاسی است، بهتر است ما هم همین پدیده را مبنا قرار دهیم. اگر چه در واقع هر مبنای دیگری نیز در تحلیل نمایی بسمت چگونگی تأثیرگذاری بر پروسه سیاست تمایل پیدا میکند که در واقع صفت مشخصه حزب سیاسی محسوب میشود. از این زاویه احزاب را می توان به گروههای بزرگ سازمانگر انقلابی، پارلمانی توده ای و سازمانگر توده ای تقسیم نمود. البته خود این گروهها می توانند نه در شکل حزب بلکه در مفهوم جنبش این مطرح باشند که بحث دیگر است. این تقسیم بندی رابطه مستقیم با بینش و جهان بینی حزب سیاسی نداشته، همدتا توضیح گر چگونگی عملکرد و به تحقق در آوردن اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

احزاب سازمانگر انقلابی تمام تلاش و تأثیرگذاری خود را از طریق سازماندهی صنفی، توده ای و یا نظامی در راستای سرنگونی رژیم کهنه و برقراری حاکمیت جدید بکار می گیرند. پس از این مرحله است که همده ترین تحولات و تغییرات در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی آغاز می گردد. به عبارت دیگر پروسه سیاست به ساده ترین شکل ممکن تقسیم میشود. تمام روندهای سیاسی در ضمیمه مقوله تعیین کننده انقلاب قرار می گیرد، از رفرم در این یا آن عرصه اجتماعی یا اقتصادی تا تحولات فرهنگی و غیره مهمی مکانیسمهای شتاب بخش پروسه سیاست اند که در خدمت جابجایی قدرت قرار میگیرند.

اینگونه احزاب باتمام تنوع در بینش و اهداف سیاسی این خصوصیت مشترک و شکل ساختاری تقریباً مشابهی را با خود حمل میکنند. ساختار تشکیلاتی آنها روابط خاصی را ایجاد میکنند که بطور قانونمند بوجود می آید. مثلاً محدودتر شدن دمکراسی درون حزبی نه به علت دیکتاتور منشی رهبران بلکه قانونمندی احزاب سازمانگر انقلابی است. دنیای این احزاب (قانونمندیهای آن) متفاوت با انواع دیگر احزاب است. اگر ششردو عالم مختلف را در هم آمیخته و ^۱ «اینه صوحی راتر جمه شبانه»^۲ میکند، در سیاست اینکار ممکن نیست. احزاب سازمانگر انقلابی که در شرایط استبداد مبارزه میکنند (خصوصاً اگر جامعه تا حدودی رشد یافته باشد) شرایط بسیار سختی خواهند داشت و مجبور به تحمل لطمات انسانی بسیاری هستند. از طرف دیگر بدلیل ساده بودن پروسه سیاست آنها، که از کمترین پیچیدگی برخوردار است، برای تمام اقشار و گروههای جامعه قابل فهم است. انقلاب به تمامی پروسه های سیاست جواب خواهد داد. به همین جهت است که بزرگترین مشکلات این گونه احزاب در مرحله پس از کسب قدرت بروز می نماید. دسته دیگر احزاب پارلمانی توده ای اند که مشخصه اصلی شان اتکا به انتخابات دوره ای است. این نیروها تأثیر گذاری بر پروسه های سیاسی را همدتا از طریق فعالیت های تبلیغاتی در پیرودهای انتخاباتی (و یا پیروزی در انتخابات) دنبال میکنند. تمی سازی مردم از پدیده سیاست و بسیج مقطعی در دوران انتخابات روش عمومی این احزاب است.

این پدیده از یک طرف در خدمت نهادی شدن دمکراسی در کشورهای صنعتی قرار گرفته و از طرف دیگر موجب بحران در سیستم احزاب گردیده است. همین پدیده یکی از مهمترین عوامل بازدارنده تغییرات ساختاری، فرهنگی در ادامه در صفحه ۷

بحث بر سر خط مشی سیاسی یکی از مقولاتی است که بیشترین انرژی و توان نیروهای سیاسی را بخود اختصاص داده است. تعداد مقالات منتشر شده، مباحث و میزگردهای برگزار شده در این زمینه موید این ادعاست.

در این نوشته تلاش خواهد شد مقولاتی نظیر احزاب سیاسی و خط مشی سیاسی مختصراً مورد بررسی قرار گیرد، نه در جهت نفی یا اثبات این یا آن خط مشی بلکه در مسیر نفی خط مشی بطور اعم. البته در دست می بود که نیروهای سیاسی توان خود را مصروف بررسی مسایل و معضلات جهان معاصر و چشم اندازهای رشد در تمدن بشری نموده و از این جایگاه مسایل رشد و توسعه در ایران را بررسی و اهداف خود را فرموله نمایند. چنین متدی مسایل جامعه ایران را بعنوان جزئی از کره بیمار زمین، که بیماریهای ویژه خود را دارد، در نظر میگیرد. بسیاری از معضلات کشور ما از بیماریهای دهکده جهانی قابل تفکیک نیست. واژه دهکده جهانی تا آنجایی که به ابداع کنندگان و مبلغین آن بر میگردد ناظر بر جهانی شدن روندهای سیاسی است، تا جایی که تقریباً تمامی تحولات دنیای معاصر، از افزایش انفجار گونه جمعیت در هر جا گرفته تا نابودی جنگلهای آمازون، از میلیتاریسم تا از دید دمای کره زمین، از فرهنگ نابود کننده مصرنی در شمال تا زیر فقر کشورهای جنوب و از بن بست مدل رشد شمال تا شکست تمامی تئوریهای رشد در جنوب، همه و همه تنها در چارچوب یک سیاست عمومی قابل حل اند. ساگر اساساً قابل حل باشند. چنین سیاستی نه سیاست بین الملل، بلکه سیاستی است که مقیاس کره زمین را در بر می گیرد.

بهر حال بحث احزاب سیاسی و خط مشی سیاسی در دستور روز جنبش قرار گرفته و اظهار نظر در این زمینه ضروریست. سیاست هلمی است که پروسه های اجتماعی را مورد بررسی قرار میدهد و اساساً تنها در چارچوب یک پروسه قابل تصور است. پدیده های اجتماعی، اقتصادی و غیره توسط فرم های بخشی از جمعیت یا در قالب یک جنبش اجتماعی در جامعه طرح میشوند، نیروهای که گردانندگان صحنه سیاست اند (احزاب، جمعیتها، جنبشهای سیاسی و غیره) آنها جذب نموده و برای عملی ساختنش مبارزه میکنند. در مرحله بعدی ایده مطرح شده به اشکال گوناگون به قدرت میرسد و طبقاً ایده ای که در جایگاه قدرت قرار دارد محقق میشود. در فاز بعدی نقادی و بررسی آغاز که در مواردی منجر به لغو تصامیم اتخاذ شده میگردد. بعنوان مثال مساله رفرم ارضی در دهه چهل را در نظر بگیریم:

۱- ضرورت انجام رفرم (جدان فلتلایا درست بودنش) توسط نیروهای لمس میشود
۲- نیروهایی از صحنه سیاست آزمان (امینی، ارسنجانی) با حمایت آمریکا به تبلیغ و ترویج آن می پردازند
۳- سلطنت مطلقه طی یک پروسه پر تشنج خود ایده رفرم را می پذیرد و ۴- مرحله اجراء می آورد
۵- تأثیرات رفرم مورد بررسی و تجربه و تحلیل قرار میگیرد.
البته در زندگی واقعی مساله بسیار پیچیده تر از این شمای کلی است. تازه همین چارچوب کلی را می توان باز کوچکتر نمود ۱- مرحله ای که ایده بعنوان نیرویی نهفته در خود تنها شکل معنوی مطرح است (حد اکثر ۳ مرحله) و ۲- مرحله ای که ایده شکل مادی بخود میگیرد. البته مثال رفرم ارضی از این جهت بکار گرفته شده است که در آن تمایزات مراحل مختلف قابل تفکیک تر و در یک پریود زمانی نه طولانی مدت بوقوع پیوسته است. اگر بنابه تجزیه و بررسی پروسه های چون مسایل اکولوژیک دنیای معاصر می بود، مساله شکل دیگری بخود میگرفت چرا که مراحل جنبشی آن به مصر و ایران باستان برمی گردد که میتوان با انقضاض نسل بشر در کره زمین پایان یابد. قابل ذکر است که پروسه سیاست کشورهای در حال رشد یا کشورهای صنعتی در برخی جهات تفاوت های کیفی با یکدیگر دارند.

انکشاف پروسه سیاست در کشورهای رشد یافته بیشتر با تانی و آرامی صورت می گیرد، در حالیکه در کشورهای در حال رشد در برخی زمینه ها با تکانه های شدید اجتماعی توأم است. با این همه در تحلیل نهایی نتیجه و حالات طی شده یکسانند و قانونمند. این قانونمندی در بخشهای مختلف علم سیاست قابل تشخیص است، از جامعه شناسی سیاسی گرفته تا فلسفه سیاسی یا اقتصاد سیاسی و غیره.

علی.ع. کارون

مختلفی با خواسته ها و ساختارهای متفاوت و حتی متضاد در این راه تلاش می ورزند، لازمست که حد و حدود این اتحادها را مشخص نمائیم. نیروهایی که می توانیم با آنان مشترک کاری دستیابی به اهدافمان مبارزه کنیم بایستی:

به آزادی و مردم سالاری (آزاد مردم) احترام بگذارند. مبلغ جنگ، فاشیسم و دیکتاتوری، شوینیسم و آپارتاید نباشند. طرفدار برپایی رژیمهای استبدادی که بر محور اراده فرد یا گروه خاص قرار دارد مانند رژیمهای سلطنتی و ولایت فقیه نباشند. به تبلیغ لجام گسیخته و دور از شئون سیاسی علیه سایر نیروها دست نزنند. اینها شروط لازم برای همکاری مشترک ما با سایر نیروهاست. از این رو طیف فدائیان خلق به همراه سایر نیروهای چپ و دمکرات، حزب دمکرات کردستان، تمامی نیروهای جمهوری خواه، نیروهای ملی، سازمان مجاهدین خلق ایران و سایر نیروهای مسلمان، که شرف و نفوذ را بعنوان شرط همکاری محکوم شمارند جزاً همراهان ما در راه نیل به آزادی و دمکراسی باشند. آن گروه از مخالفان رژیم که طرفدار سیستم های سلطنتی و ولایت فقیه هستند، نمی توانند متحد ما باشند. در افشای سیمای این مفادیان دروغین آزادی که تا دیروز آزادی راه خاک و خون می کشیدند لحظه ای درنگ نخواهیم نمود.

حذف اصلی خط مشی ما، بر پایی نظامی دمکراتیک بجای نظام دیکتاتوری موجود در جامعه مان است، لذا ما خواهان برقراری دمکراسی پارلمانی در شکل جمهوری فدراتیو هستیم، که ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آنها نمایندگان برگزیده مردم، در شرایط دمکراتیک در مجلس موسسان تعیین می کنند. پر واضح است که ما بعنوان یک نیروی سیاسی در ایران، بر نامه خود را در راستای فوق در اختیار مجلس موسسان قرار خواهیم داد.

مطالبات ما در راستای تحقق گام به گام ابدانمان و رشد جنبش توده ای و بسیج مردم، عبارتند از:

رهایت منشور حقوق بشر در ایران، آزادی تمامی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و سازمانها و اجتماعات، آزادی مطبوعات و نبود دهر گونه سانسور بر مطبوعات و کتب و رسانه های گروهی، الغاء قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، الغاء مجلس شورای اسلامی و سایر نهاد های سیاسی و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و انتقال کارهای اجرایی کشور به شورای موقتی متشکل از نمایندگان تمامی جریانات نامبرده فوق تا تشکیل مجلس موسسان.

مصبوب در نشریه کار چاپ شود. این تصمیم در همان زمان اجرا شد. شورای مرکزی در همین حال ضروری تشخیص داد که همراه با این اسناد، یکی از طرح های ارائه شده از سوی اقلیت قابل توجهی از نمایندگان کنگره پیرامون مشی سیاسی را نیز در نشریه به چاپ رساند. شورای مرکزی همچنین تصمیم گرفت که همه اسناد و طرح های ارائه شده به کنگره دوم راه صورت یک مجموعه انتشار دهد. کار روی این مجموعه تا مرحله آمادگی برای چاپ پیش رفته است و در همین حال شورای

راستاهای اساسی در تدوین این سند از این قرارند:
موضع مان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، شیوه مبارزه ما، سیاست اتحادهای ما، هدف اصلی خط مشی ما و مطالبات و تقاضاهای ما.

رژیم جمهوری اسلامی با حاکم کردن سیاهترین دیکتاتوری ممکن، عامل اصلی نقض آزادی و دمکراسی در میهن ما است. این رژیم با سرکوب و حبسبانه آزادیخواهان و دگر اندیشان و بی داشتن دستگاههای انگیزاسیون قرون وسطائی، دیکتاتوری بورژوازی مذهبی را بوجود آورده است که کوچکترین روزنه های ممکن را برای جلوگیری از تابش نور آزادی و دمکراسی مسدود نموده است. رژیم در زندانها و داخل جامعه و حتی در خارج از کشور نیز خون می ریزد و هیچ زبانی جز زبان خود را نمی فهمد. نظام جمهوری اسلامی حاکم بر ایران با هفت قرارداد های زیانبار تسلیحاتی، اقتصادی با فارتگران بین المللی، دست در دست آنان داده و به تاراج و چپاول ثروت های ملی ایران کمر بسته، بر این اساس هلمی بر ضد منافع ملی میهنمان است. این رژیم با اخذ سیاستهای ناخردانه و ناسالم اقتصادی منجر به افزایش بی رویه قیمتها و رشد سرسام آور بیکاری، فقر، فحشاء، دزدی، رشوه خواری و فساد در جامعه گشته است.

بنابر این برای رسیدن به آزادی، دمکراسی، رشد، توسعه و عدالت اجتماعی در ایران، رژیم جمهوری اسلامی بزرگترین مانع است. لذا این مانع و سد یابست از بنیاد و پایه گسسته شده و سرنگون شود و یا به عبارتی مابهنوان نیروئی که طرفدار آن ارزشهای والای انسانی هستیم و برای دستیابی به آنها مبارزه میکنیم، خواهان سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران می باشیم.

ایده آل ترین شیوه مبارزاتی مورد نظر ما در این راستا، با توجه به حمایت انسان دوستانه، صلح جویانه و نگرش دمکراتیک که داریم، بر اشکال مسالمت آمیز توده ای و مردمی (سمه پرس و انتخابات آزاد) استوار است، ولی آنچه که ملموس تر و قرین و واقفیت جامعه امروز ما است، سرنگونی رژیم بشکل قیام توده ای و انقلاب مردمی خواهد بود. از اینرو ما بعنوان نیروی انقلابی در جامعه می گوئیم که پروسه انقلاب از طریق بسیج توده ها بدون روی آوری به مبارزه مسلحانه به سر انجام رسد، ولی بر این باوریم که در شرایط تحصیل قهریه مردم، دفاع مردم در مقابل آن امری است اجتناب ناپذیر و موجه.

بدون تردید اتحاد عمل نیروهای سیاسی شرط ضرور بسیج توده ها و رسیدن به آزادی و دمکراسی در میهنمان است. ولی از آنجایی که طیفهای

نشریه کار:
در مقدمه مطلب فوق، آقای علی.ع. کارون مطرح کرده اند که علیرغم تقاضاهای مکرر ایشان جهت انتشار بیرونی طرح ارائه شده از سوی ایشان، این کار انجام نگرفته است. در این رابطه، از سوی شورای مرکزی سازمان توضیحی برای رفع برکوبه سوء تفاهم از آقای کارون در اختیار نشریه قرار گرفته است که در زیر می آید.
پس از برگزاری دومین کنگره سازمان، شورای مرکزی منتخب در راستای اجرای تصمیمات کنگره تصمیم گرفت که همه اسناد

خبرها و نظرها

بولتن مباحثات مشترک سه سازمان چپ

نظر این سازمان طبقه کارگر همه کسانی را شامل میشود که صرفاً از طریق فروش نیروی کارشان زندگی میکنند. صرف نظر از اینکه کارشان فکری باشد یا جسمی. وی در ادامه مقاله مینویسد که دموکراسی از طریق کشاندن همه مردم به مبارزه دموکراتیک بدست نمی آید. بخشی از مردم، بنابه منافع و جایگاه اجتماعی شان در مقابل دموکراسی میایستند و یا لاقط برای آن نمی جنگند و بخشی دیگر آنرا فقط در محدوده بسیار تنگی میخوانند و شکست یا پیروزی مبارزه برای دموکراسی را غالباً نه کمیت طرفداران آن، بلکه انسجام و قاطعیت نیروی مرکزی آن (کارگران و زحمتکشان) تعیین میکنند. وی نتیجه میگیرد که جوهر اصلی اختلاف، اختلاف میان یک برنامه دموکراتیک با یک برنامه گذار به سوسیالیسم است و تازمانی که این اختلاف حل نشود وحدت سازمانی ناممکن است.

در مقاله دیگری در همین بولتن با قلم سارا، محمود در همین زمینه نوشته شده که این اختلاف از دیدگاه پوپولیستی دوسازمان دیگر منشأ گرفته و در واقع اختلاف بر سر ماهیت حزب، هویت طبقاتی و استراتژی پایه‌ای آن است و وحدت تنها به شرطی میتواند مورد پشتیبانی قرار گیرد که متکی بر نقد پوپولیسم باشد.

در همین شماره بولتن دو مقاله از آقایان سهراب و رسول از اعضا رهبری سازمان فدائی درج گردیده است. آقای سهراب با انتشار تاریخ مذاکرات مابین رهبری سه جریان مواضع سازمان راه کارگر و تعلق این سازمان در پیشبرد این مباحثات را مورد انتقاد قرار داده است. آقای رسول نیز در مقاله‌ای تحت عنوان "وحدت مشکل اما عملی است" اختلافاتی را که از سوی سازمان راه کارگر بعنوان موانع وحدت تلقی شده‌اند را در سه مقاله خلاصه نموده است "تعریف طبقه کارگر، شیوه برخورد با خرده بورژوازی و ترکیب طبقاتی دولت آترناتیو" وی در ابتدا تعریف راه کارگر از اتشار و طبقات را مورد نقد قرار داده است و به تفاوت مابین کسانی که از طریق فروش نیروی کار خود زندگی میکنند (مثلاً

مباحثاتی که از ۱۸ ماه قبل در رابطه با وحدت سه سازمان کارگران انقلابی ایران، سازمان فدائی و شورایی عالی آغاز گردید سرانجام پس از یکسری مذاکرات به انتشار پلاتفرمی در چندماه قبل انجامید. کمیته مرکزی سه سازمان تصمیم به انتشار بولتنی تحت عنوان بولتن مباحثات مشترک گرفتند. در این بولتن نقطه نظرات متفاوت اعضا سه سازمان مزبور حول موارد اختلاف انتشار خواهد یافت و مباحثات در سطح سازمانها از این طریق پیش خواهد رفت.

در اولین شماره بولتن آقای محمد رضا شالگوئی از سازمان کارگران انقلابی ایران در مقاله‌ای تحت عنوان "اختلاف بر سر چیست" مهمترین موضوعات اختلاف را مورد بحث قرار داده است. وی مینویسد در طول یکسال و نیم گذشته که مذاکرات وحدت مابین سازمانها آغاز گردید "۸۵ تا ۹۰ درصد جلسات بحث بطور مستقیم یا غیر مستقیم حول دو موضوع چرخیده، نظامی که باید جایگزین جمهوری اسلامی گردد و نیرویی که میتواند آنرا شکل دهد" از نظر سازمان راه کارگر "با سرنگونی جمهوری اسلامی باید گذار به سوسیالیسم در کشور سازمان داده شود و نیرویی که میتواند این گذار را امکان پذیر سازد اتحاد کارگران و زحمتکشان است". اما دو سازمان دیگر معتقدند که هر چند هدف نهایی سوسیالیسم است ولی گذار به آن نهلا در کشور نمیتواند مطرح باشد، بنابر این نظامی که با سرنگونی جمهوری اسلامی باید بجای آن بنشیند یک دموکراسی بورژوازی است و نیرویی که میتواند آنرا مستقر سازد بلوکی است از کارگران و زحمتکشان و خرده بورژوازی. وی در مقاله خود مینویسد که از نظر سازمان راه کارگر در چارچوب نظام سوسیالیستی آزادیهای سیاسی وجود خواهد داشت، این نظام تنها با رای مردم به وجود خواهد آمد، مالکیت های خصوصی کوچک ملفی نخواهد شد و تمامی اقتصاد در دست دولت متمرکز نگردیده و از یک مرکز واحد هدایت نخواهد شد. وی همچنین مینویسد که از

اطلاعیه

جامعه دفاع از

حقوق بشر در ایران

ماه گذشته جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، اطلاعیه‌ای در پاسخ به گزارش خردادماه سال ۱۳۷۱ دولت جمهوری اسلامی انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است که جمهوری اسلامی برخلاف وعده و وعیدهایی که به نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر داده بود عملکرد خود را که معارض با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است تغییر نداده است.

در این اطلاعیه آمده است در زمینه حق زندگی در سال گذشته ۱۲۰ تن به ارتکاب جرایم عمومی (در غالب موارد قاچاق مواد مخدر) و ۱۴۰ تن به دلایل سیاسی و عقیدتی اعدام شده‌اند و در خارج از کشور پس از نطق هلی فلاحیان که به صراحت از ضربات کاری بر مخالفان سیاسی یاد کرد چهارتن از مخالفان رژیم در برلن ترور شدند.

در اطلاعیه گفته میشود که: در سال ۱۳۷۰ دولتمردان جمهوری اسلامی بدلیل تولی که به گالیندوپل داده بودند اعلام کردند که انتخابات کانون وکلا برگزار خواهند شد، اما یک روز پیش از موعد مقرر طرح تصفیه وکلا را از مجلس گذرانده و انتخابات به بوته توفیق و تعطیل افتاد.

در زمینه حقوق و آزادی‌های سیاسی همگان فعالیت احزاب و سازمانها محدود و مشروط به سازگاری با موازین و مصالح اسلامی گردیده است. سیاست سخت گیری نسبت به حجاب زنان تحت عنوان مبارزه با هجوم فرهنگ غربی افزایش یافته و سیاست اهراب و تعدید درباره روزنامه‌های غیر حکومتی ادامه دارد.

وی در ادامه مینویسد رفتای راه کارگر تاکید دارند تنها با توافق بر سر اصول فوق است که میتوان وحدت کرد. به عبارت دیگر میگویند اگر خواستار وحدت هستی، نظرات مرا بپذیر؛ این نحوه برخورد فردا اگر در یک حزب واحد حرفهای او را نپذیری، اخراج، تصفیه و انشعاب راتنها راه علاج میدانند.

صاحب منصبان کشوری و لشگری و بوروکراتها) انگشت گذاری و یکپارچه کردن همه راتحت عنوان طبقه کارگر نادرست دانسته و همچنین تفاوت فاحش مابین اتشار مختلف خرده بورژوازی و اتشار میانی را مورد تاکید قرار داده و یک کاسه کردن همه آنها را خطا قلمداد کرده است. او ادامه میدهد که وظیفه سازمان طبقه کارگر در همین حال سازماندهی و گسترش مبارزات دموکراتیک و ترقی خواهانه اتشار دیگر نیز هست که سازمان راه کارگر با آن مخالف است و تنها حمایت از مبارزات آنها در راستای آزادی و دموکراسی را تایید میکند. وی در ادامه مینویسد که سومین موضوع اختلاف آترناتیو حکومتی است. سازمان راه کارگر از حکومت کارگری بعنوان آترناتیو دفاع میکند و سازمان فدائی از جمهوری دموکراتیک و مردمی، اتشار و طبقات غیر کارگری در مبارزه علیه استبداد و سلطه سرمایه بزرگ ذینفع کارگر در انقلاب آتی متحد طبقه کارگر ایران بشمار می‌آیند و لذا حاکمیت برآمده از انقلاب چنانچه در جهت تحقق برنامه چپ گام بردارد، نمیتواند چیزی جز یک جمهوری مردمی و دموکراتیک باشد.

آقای مصطفی مدنی از اعضا رهبری "شورایی عالی" نیز در زمینه مزبور نظرات سازمان راه کارگر را مورد نقد قرار داده است. وی مینویسد در متن توانقنامه سه سازمان در مورد دولت موقت انقلابی و برنامه آن توافق گردیده و آمده است که این دولت برای انتقال تمامی قدرت سیاسی به نمایندگان منتخب همه مردم تشکیل خواهد شد و وظیفه تشکیل مجلس موسسان از طریق رای آزادانه مردم را همدهدار است. پذیرش رای آزادانه همه مردم، انتقال قدرت به منتخبین مردم و... خودبمغنی‌رد انتقال قدرت به بلوک بندی طبقاتی معنی است. پذیرش برنامه فوق و دفاع از حکومت کارگری (کارگران و زحمتکشان) تناقضی است آشکار. دلیل این تناقض آنست که از یکسو صحبت کردن از حکومت کارگری بیواسطه بعنوان جایگزین جمهوری اسلامی مسخره است و از سوی دیگر ذنیات خارج از دنیای واقع پایداری میکند.

مبارزه برای چاپ کتاب "آیات شیطانی"

در ترکیه

چهار عضو هیات تحریریه آیدین لیک که در روز ۲۶ مه دستگیر شده بودند، یک روز بعد آزادی خود را بازیافتند.

به گزارش هیات تحریریه آیدین لیک، حزب الله ترکیه که طرفدار جمهوری اسلامی است و در مناطق شرق و جنوب شرقی ترکیه نفوذ دارد، در این مناطق مانع پخش روزنامه شده است. این گزارش می‌افزاید برخی شخصیتها در این مناطق با به خطر افکندن جان خود، پخش آیدین لیک را به عهده گرفته‌اند.

ماجرای "آیات شیطانی" در ترکیه از پیچیدگی خاصی برخوردار است. دولت این کشور از یک سو می‌کوشد خود را عضوی از جامعه کشورهای غربی جلوه دهد که در دفاع از آزادی بیان و حقوق بشر، چیزی از اروپاییها کم ندارد. از سوی دیگر، آنکارا در سالهای اخیر سیاست دوگانه‌ای را در قبال گروه‌هایی مانند حزب الله دنبال کرده است. در حالیکه در قریب ترکیه پدیده‌هایی مانند حجاب اسلامی در مدارس و دانشگاهها را تحمل نمی‌کنند، در کردستان برای تضعیف گروههای کرد مانند "حزب کارگران کردستان"، دست بنیادگرایان حزب الله را باز گذاشته‌اند. در چنین شرایطی، دولت ترکیه در قضیه سلمان رشدی دچار محصله است.

سال گذشته عزیز نسین مشهورترین نویسنده معاصر ترکیه با اعلام اینکه کتاب "آیات شیطانی" سلمان رشدی را به ترکی ترجمه خواهد کرد، خشم افراطیون مذهبی ترکیه و حکومت اسلامی تهران را علیه خود برانگیخت، و در ایران کتابهای عزیز نیسن به کتب ممنوعه پیوست. مبارزه در ترکیه برای چاپ ترجمه ترکی کتاب رشدی ادامه دارد. دو هفته پیش، روزنامه "آیدین لیک" که تیراژ آن در داخل و خارج ترکیه به ۵۰ هزار نسخه بالغ می‌شود چاپ، "آیات شیطانی" را به صورت پاورقی آغاز کرد. اما در همان روز نخست چاپ این پاورقی، یک دادگاه استانبول رای به توقیف شماره آن روز "آیدین لیک" داد. استدلال دادگاه این بود که انتشار "آیات شیطانی" معایر با قانون حفاظت از شئون اسلامی در ترکیه است.

با این حال آیدین لیک روز بعد نیز بخش دوم پاورقی را چاپ کرد. یک عضو هیات تحریریه این روزنامه در استانبول اظهار داشت ممنوعیت روزنامه تنها شامل شماره چهارشنبه ۲۶ مه آن می‌شده است. این مسئول آیدین لیک افزود تعدیدات شدید گروههای اسلامی علیه کارکنان روزنامه نیز به توقف چاپ این پاورقی نخواهد انجامید. وی گفت

گزارشی از نمایشگاه بین المللی کتاب در بروکسل

نزد ایرانیان مهاجر و حتی خارجی‌ها آشکار گردید. ناگفته نماند که در روز افتتاح نمایشگاه قریه ایران تقریباً خالی بود و تنها در پایان روز بود که مسئولان قریه بادو الی سه کتاب و کارهای دستی عرق ریزان وارد قریه شدند. امسال هزینه اجاره قریه نسبت به سالهای قبل بسیار گران بود. حتی بعضی از انتشاراتیها و بنگاههای بزرگ نشر کتاب بدلیل گرانی در نمایشگاه شرکت نکردند و قریه ایران بنابه وضعی که داشت نمی‌توانست حداقل از محل فروش کتاب مقداری از هزینه اجاره قریه را جبران کند.

ادامه از صفحه ۵
حافظه خیام، مولانا و سعدی نیز اثری یافت نمی‌شد. گویا اینکه در کشور ما نویسنده و هنرمند و... وجود ندارد. اکثر ایرانیانی که از قریه جمهوری اسلامی دیدن کردند با ناراحتی و دست خالی قریه بهم ریخته و ضد فرهنگی و بی جاذبه ایران را ترک کردند و اغلب به مسئولان قریه اعتراض می‌کردند و آنها هم همچون سالهای قبل می‌گفتند کتابها هنوز در راه است و فردا می‌رسد و تا آخرین روز نمایشگاه این کتابها نرسید و بدین طریق دوباره چهره فرهنگ ستیز جمهوری اسلامی

با کمکهای مالی خود نشریه را یاری کنید!

با اشتراك «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

| | | | | | | | | |
|---|---|---------|--------|---------|---------|---------|----------|---|
| <p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> <p>مایلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمیر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانا بنویسید)</p> <p>Name: _____ Address: _____</p> | <p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضا فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p> | شش ماهه | یکساله | ۴۵ مارک | ۹۰ مارک | ۵۲ مارک | ۱۰۴ مارک | <p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR.35263011 کد بانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen GERMANY</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p> |
| شش ماهه | یکساله | | | | | | | |
| ۴۵ مارک | ۹۰ مارک | | | | | | | |
| ۵۲ مارک | ۱۰۴ مارک | | | | | | | |

سید سرکوب بنیادگرایان در کشورهای اسلامی

روز ششم خرداد، یک دادگاه لاهمی صورت شش بنیادگرا را به نام مصر مقصد به جان نوت الشریف وزیر اطلاعات این کشور در فروردین ماه، به مرگ عکوم کرد. این عده همچنین نعم به یک سلسله اعمال ورستی دیگر، از جمله یک مله ترورستی به جهانگردان دید کننده از هرم خنوپس اند. ی عملیات این گروه در قاهره، مامور پلیس کشته شده و به وبوس های حامل جهانگردان ارجی خساراتی وارد شده بود. روز پنجم خرداد، یک دادگاه بزه در الجزایر مجموعاً ۴۳ حکم دام علیه بنیادگرایان صادر رد. اتهامات این عده عبارت بود بمب گذاری در فرودگاه ن المللی، ایستگاه تلویزیونی و تر مرکزی پلیس پایتخت جزایر، ۲۶ نفر از محکومین به سور قیابی به اعدام محکوم دند. با صدور احکام اخیر، شمار یکام اعدام صادره در الجزایر از نظام برقراری حکومت نظامی ر فوریه ۱۹۹۲ تاکنون به ۱۱۳ سید. از این احکام، ۶۱ حکم پراشده است.

در اردیبهشت ماه حسنی بارک رئیس جمهور مصر با خفیف مجازات هشت بنیادگرای سلامی که در دو دادگاه نظامی به اعدام محکوم شده بودند، مخالفت کرد. یکی از این هشت بر به اتهام قتل یک افسر پلیس در و امیر ۱۹۹۲ محکوم شد. هفت نر دیگر حکم اعدام خود را به خاطر حمله به جهانگردان رفتند.

در اردیبهشت ماه، همچنین ولت مصر مکالمه تلفنی و ستقیم و اتوماتیک با عراق، مودان، پاکستان و ایران را طع کرد. به تقاضای حسنی بارک رئیس جمهور مصر که ماه گذشته از کشورهای حاشیه بنوبی خلیج فارس دیداری به عمل ورد، این کشورها اعلام کردند هالیتهای انجمن های 'خیریه' اسلامی را که مظنون ه کمک به بنیادگرایان مصری اند، تحت کنترل اکیدرتری قرار خواهند داد. در عربستان سعودی و حانیونی که یک گروه 'حقوق شر' را تشکیل داده بودند، توسط دولت بازداشت شدند. ولت پاکستان اعلام کرد چندین برد عرب در این کشور بازداشت شده و صدها تن اخراج نردیده اند. این اقدام دولت سلام آباد هنگام زمامداری لخشمر مزاری نخست وزیر وقت و پیش از برگراری مجدد واز شریف به نخست وزیری عورت گرفت.

به نظر می رسد موج سرکوب نیادگرایان اسلامی در چند کشور نه از چند هفته پیش آغاز شده ست، یک حرکت هماهنگ شده ای ست. چند رژیم حاکم بطور مزمان شبکه های ارتباطی، عزله های پایه و گروه های ضربت نیادگرایان را مورد یورش قرار اند.

یکی از هدفهای اصلی ضربه، 'افغانی های عرب' اند که در پاکستان تعلیم نظامی دیده اند و پیش از سرنگونی دولت نجیب ر افغانستان علیه حکومت کابل سی جنگیدند. بخشی از این افراد، عدود دو سال است که در الجزایر مصر به حملات چریکی علیه ولت های این دو کشور بشغولند. همچنین گفته می شود ۲۶ فوریه در مرکز تجارت جهانی

نیویورک، با 'افغانی های عرب' رابطه داشته اند. نکته جالب اینجاست که آمریکایی ها تا مین کننده اصلی اسلحه و امکانات آموزشی 'افغانی های عرب' در پاکستان بوده اند. مزاری نخست وزیر وقت پاکستان که اکنون جای خود را به نواز شریف داده است، طی سخنانی در مورد ترورست های عرب فعال در پاکستان گفت مبتکر دادن آموزش و کمک مالی به افراطیون عرب، آمریکایی ها بودند و 'آنها بودند که این کارها را شروع کردند و حالا کنار کشیده اند و ما را مقابل این مشکل تنها گذاشته اند. این، منصفانه نیست'.

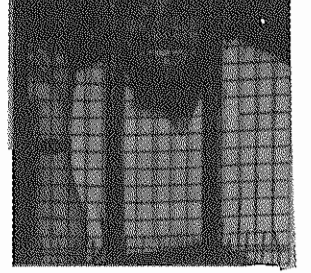
به نظر می رسد حسنی مبارک رئیس جمهور مصر، رهبری حملات متمرکز علیه بنیادگرایان در کشورهای اسلامی را به عهده گرفته است. دولت مبارک تحت فشار شدید افراطیون مسلمان قرار دارد. چندی پیش مکتفد نر دیگر از این افراطیون در مصر دستگیر شدند. سه هفته پیش، انفجار یک بمب کار گذاشته شده در یک اتومبیل در مرکز شهر قاهره، سه قربانی گرفت و شمار قربانیان تروریسم در مصر طی یک سال اخیر را به ۱۲۶ نفر رساند. در حملات بنیادگرایان به جهانگردان که از میان توریست های خارجی سه نفر قربانی گرفته است، باعث شده که درآمد مصر از محل سفر جهانگردان به شدت کاهش یابد. میزان این کاهش، یک میلیارد دلار تخمین زده می شود.

تا چندی پیش، حسنی مبارک پیوسته رژیم های ایران و سودان را عوامل اصلی دامن زنده به تروریسم در مصر قلمداد می کرد. اما وی در سفر اخیر خود به کشورهای خلیج فارس، مسئله کمک های مالی انجمن ها و بنیادهای اسلامی مستقر در این کشورها به بنیادگرایان مصری و الجزایری را مطرح کرد. یک مقام مصری گفت: 'شاید آنها فکر میکنند دارند در راه خدا پول می دهند، اما در واقع دارند به تروریسم کمک می کنند'.

مقام های مصری می گویند یک فرد سعودی وابسته به یکی از ثروتمندترین و متنفذترین خانواده های عربستان که در دهه هشتاد مبالغ هنگفتی به مجاهدین افغانی می داد، اکنون مخارج گروه های بنیادگرا در کشورهای مختلف را تامین می کند. این نکته از سوی یکی از رهبران جماعت اصلی مصر که اکنون در قاهره تحت محاکمه قرار دارد، تایید شده است.

در مقابل تعرضات اخیر به بنیادگرایان، برخی شواهد حاکی از تغییر تاکتیک های بخشی از نیروهای بنیادگراست. از جمله، بنیادگرایان مخالف رژیم سعودی به تبلیغات برای رعایت حقوق بشر در این کشور روی آورده اند و می گویند مخالف اعمال تهرند. این بخش از اپوزیسیون عربستان تماسهایی نیز با دیپلماتهای آمریکایی دارد. با افزایش فشار رژیم های حاکم بر افراطیون آنها به جای اینکه به مخفی گاه و خانه های تیمی یا به ایران و سودان پناه ببرند، بیش از پیش به آلمان، بریتانیا و آمریکا پناهنده می شوند.

مثلا راشد القنوشی رهبر بنیادگرایان تونس اکنون در بریتانیا به سر می برد. وی موضعی دارد که از زبان یک



یکی از بنیادگرایان متهم به حملات تروریستی علیه جهانگردان

مصاحبه نیوزویک با رهبر پیشین بریگادهای سرخ ایتالیا

کودتا در شیلی و پس از بمب گذاری ها در میدان فونتانی میلان، در برشیا، در قطار ایتالیاکوس، حوادثی که در مجموع به کشته شدن ۱۵۰ نفر انجامید و عوامل آن هرگز پیدا نشدند. ما به مثابه یک جنبش، خود را در برابر دشمنی می دیدیم که حاضر است همه جا دست به کشتار بزند تا واکنشی در جهت برقراری 'نظم و قانون' و سرکوب همه ناراضیان ایجاد کند. نیوزویک: اما این شما بودید که به مثابه رهبر بریگادهای سرخ راه جنگ چریکی شهری را در پیش گرفتید.

نیوزویک: به نظر می رسد به موقع به شما مرخصی داده اند تا شاهد انقلاب ایتالیا باشید. نیوزویک: در ایتالیا هرگز انقلابی رخ نداده و اکنون نیز انقلابی در جریان نیست. این کشور، نه انقلاب بورژوازی داشته، نه انقلاب صنعتی و نه انقلابی از نوع معاصر ایتالیا عادات و سنن کهن خود را از دورانی به دوران دیگر همراه خود کشیده است. این، یکی از بزرگترین مشکلات کشور است. امروز ما شاهد احتضار نظام سیاسی ای هستیم که از پایان جنگ جهانی دوم بدین سو، بر کشور حاکم بوده است. فروپاشی رژیم، باید مقداری نیرو آزاد کند تا ایتالیا به کشورهایی برسد که دمکراسی آنها پیشرفته تر از دمکراسی ماست.

نیوزویک: آیا این یکی از اهداف بریگادهای سرخ نبود؟ نیوزویک: هدف اولیه بریگادهای سرخ، درهم شکستن بلوک سیاسی بود که جنبش مردمی برای دمکراسی بیشتر و عدالت اجتماعی را سرکوب می کرد. از این لحاظ سقوط رژیم فعلی هم جهت باید تلوژی بریگادهای سرخ است، اما من این امر را به هیچ وجه نتیجه تلاش های مانمی دانم.

نیوزویک: بریگادهای سرخ، فعالیت خود را با آتش زدن اتومبیل های افرادی آغاز کردند که به عنوان جاسوس در جلسات کارگران کارخانه ها حضور می یافتند. آیا روی آوردن بریگادهای سرخ به آدم ربایی، تروریسم و قتل، اجتناب ناپذیر بود؟

نیوزویک: گمان نمی کنم. وقتی بریگادهای سرخ در سل ۱۹۷۰ تاسیس شد، مبارزه مسلحانه از شیوه های مبارزه ما نبود. نقطه عطف، سال ۱۹۷۳ بود، پس از

ادامه از صفحه ۱۲

مرزهای صربستان و بوسنی جهت نظارت بر اعمال محاصره قلمرو صربهای بوسنی از سوی بلغراد، و استقرار ناظران در مرز بوسنی و کرواسی.

نیوزویک: بریگادهای سرخ در سل ۱۹۷۰ تاسیس شد، مبارزه مسلحانه از شیوه های مبارزه ما نبود. نقطه عطف، سال ۱۹۷۳ بود، پس از

نیوزویک: شما اذعان دارید که تئوری ها و تحلیل هایتان نادرست بود، اما هرگز از اقدامات خود اظهار ندامت نکرده اید، در حالی که چنین اظهار ندامتی می توانست چند سال از دوره محکومیت شما بکاهد.

نیوزویک: من حاضر به اضرار ندامت از گذشته قهرآمیز خود نیستم زیرا نمی توانم فرهنگ حاکم بر عمل ندامت را بپذیرم. این فرهنگ، میراث شومی است که از دوره تغشیح عقاید به جا مانده است. دوره ای که، رژیم حاکم تنها یک عقیده را درست می دانست و به همه کسانی که پیرو این عقیده نبودند، همچون مرتدانی می نگریست که باید آنها را به آغوش کلیسا بازگرداند. این فرهنگی است که مانده تنها در تباطواری و پویای قرون وسطی، بلکه در دوره حاضر در اتحاد شوروی نیز از آن انتقاد کرده ایم.

نیوزویک: گمان نمی کنم. وقتی بریگادهای سرخ در سل ۱۹۷۰ تاسیس شد، مبارزه مسلحانه از شیوه های مبارزه ما نبود. نقطه عطف، سال ۱۹۷۳ بود، پس از

نیوزویک: گمان نمی کنم. وقتی بریگادهای سرخ در سل ۱۹۷۰ تاسیس شد، مبارزه مسلحانه از شیوه های مبارزه ما نبود. نقطه عطف، سال ۱۹۷۳ بود، پس از

نیوزویک: گمان نمی کنم. وقتی بریگادهای سرخ در سل ۱۹۷۰ تاسیس شد، مبارزه مسلحانه از شیوه های مبارزه ما نبود. نقطه عطف، سال ۱۹۷۳ بود، پس از

نیوزویک: گمان نمی کنم. وقتی بریگادهای سرخ در سل ۱۹۷۰ تاسیس شد، مبارزه مسلحانه از شیوه های مبارزه ما نبود. نقطه عطف، سال ۱۹۷۳ بود، پس از

نیوزویک: مسئولیت شما در ربودن و قتل آلدومورو تا چه حد بود؟

نیوزویک: به طور کلی من در مورد هر چه انجام شد، آنهم نه فقط توسط بریگادهای سرخ، بلکه از سوی همه گروه های مسلح چپ که در ایتالیای دهه ۷۰ فعالیت می کردند، احساس مسئولیت می کنم، زیرا من از زمره کسانی بودم که گمان می کردند اوضاع استفاده از سلاح را می طلبد. در مورد قضیه مورو، من برای این عملیات معین احساس مسئولیت نمی کنم زیرا در آن زمان در زندان بودم و نه در طراحی و نه در اجرای عملیات، شرکت نداشتم.

نیوزویک: بریگادهای سرخ با ربودن مورو، لقمه بزرگتر از دهان خود برداشتند.

نیوزویک: این برداشت من هم است. در اواخر دهه ۱۹۷۰، بریگادهای سرخ توان نظامی بسیار بالایی داشتند، اما توان سیاسی شان در حد بسیار متوسط بود. آنها به امکانات سیاسی خود پر بها دادند و مثلاً در ربودن مورو در موضعی قرار گرفتند که حفظ آن بسیار فراتر از توانشان بود.

نیوزویک: بسیاری از خانواده های بریگادهای سرخ به دادن مرخصی به شما اعتراض کردند. آیا به عنوان کسی که خود همسرش را در کبیری با خود پس از دست داده است، احساسات آنها را درک می کنید؟

نیوزویک: خانواده های قربانیان، بسیار با یکدیگر متفاوتند. من از برخی از آنها نامه هایی حاکی از حمایت و همبستگی دریافت کرده ام. برخی دیگر در رادیو و تلویزیون صحبت کرده، خواهان حل سیاسی مسئله ما شده و نسبت به خطرات فرهنگ انتقام جویی هشدار داده اند. اما هستند خانواده هایی که هنوز گرفتار کینه و افسوسند، احساساتی که من می توانم آنها را فراموش کنند و نه بر آنها قالب شوند.

نیوزویک: بسیاری است من احساس کسی را که حاضر به آتش باهامل حادثه قهرآمیزی نیست که زندگی او را به شدت تکان داده است، و گذشت زمان نیز نمی تواند آن را جبران کند، درک می کنم. در این مورد، زبان من عاجز است.

آیا کلیتون به سیاست عدم مداخله در بوسنی روی آورده است؟

این کشور از کروات های بوسنی، دولت روسیه در طرح ایجاد مناطق امن با آمریکایی ها همراه شده است. کوزیروف وزیر خارجه روسیه می گوید اگر به این مناطق امن کمک های اقتصادی خارجی برسد و مناطق تحت کنترل صربها بر اثر محاصره اقتصادی پیوسته بحران زده تر شود، صربهای بوسنی اجرای تدریجی طرح ونس-اولن را که به معنای تخلیه ۴۰ درصد از مناطق تحت کنترل صربها توسط آنها خواهد بود، خواهند پذیرفت.

علی عزت بیگ اوچ رئیس جمهور بوسنی - هرزه گوین در یک واکنش توأم با خشم و یاس در قبال طرح مشترک غرب و روسیه برای ایجاد مناطق امن، کشورهای غربی را به خاطر این عقب نشینی در برابر صربها و عدم لغو تحریم تسلیحاتی بوسنی محکوم کرد.

نیوزویک: گمان نمی کنم. وقتی بریگادهای سرخ در سل ۱۹۷۰ تاسیس شد، مبارزه مسلحانه از شیوه های مبارزه ما نبود. نقطه عطف، سال ۱۹۷۳ بود، پس از

نیوزویک: گمان نمی کنم. وقتی بریگادهای سرخ در سل ۱۹۷۰ تاسیس شد، مبارزه مسلحانه از شیوه های مبارزه ما نبود. نقطه عطف، سال ۱۹۷۳ بود، پس از

جنایت تکانهنده فاشیست هادر آلمان

فاشیست ها پنج عضویک خانواده تر که راه قتل رساندند

شهر زولینگن واقع در غرب آلمان در نخستین ساعات روز شنبه ۲۹ مه، شاهد یک جنایت هولناک گروههای فاشیست بود. چند ناشناس با استفاده از تاریکی شب، خانه‌ای را که در آن یک خانواده ترک زندگی میکرد، به آتش کشیدند و پنج عضو خانواده، از جمله یک نوزاد را به قتل رساندند. سه نفر دیگر از ساکنان خانه نیز به شدت سوختند و در خطر مرگ قرار دارند. اهالی محل گزارش دادند که یک روز پیش از حادثه، چند نفر که سر تراشیده و لباسهایشان حاکی از وابستگی آنها به گروههای فاشیست بود، خانه مزبور را شناسایی کرده‌اند. همچنین چند شاهد عینی گفته‌اند که پس از آتش سوزی، چهار نفر را در حال فرار دیده‌اند. این عده سر تراشیده و لباسهای مخصوص فاشیست هادر داشته‌اند. حادثه زولینگن، تکرار فاجعه بارتو واقع‌ای مشابه در سال گذشته در شهر مولن واقع در شمال آلمان بود. در مولن نیز فاشیست‌ها که دو نفر از آنها هم اکنون محاکمه می‌شوند، خانه یک خانواده ترک راه آتش کشیدند و دوزن و یک دختر بچه را کشتند. جنایت زولینگن، اوج حرکات ضد بشری و نژاد پرستانه در آلمان است که طی سه سال اخیر، از میان شهروندان خارجی مقیم آلمان، دهها قربانی گرفته‌است. قتل پنج شهروند ترک مقیم آلمان، تنها یک روز پس از تصویب

محدود کردن حق پناهندگی در بوندسرات، مجمع نمایندگان ایالات صورت گرفت. دو روز قبل از بوندس رات، بوندس تاگ پارلمان آلمان با اکثریت بیش از دو سوم آرا این تغییر را که در حقیقت به معنای لغو حق پناهندگی است، مورد تصویب قرار داد. در محدود کردن حق پناهندگی، سه نیروی سیاسی سنتی آلمان یعنی دمکرات مسیحی‌ها به رهبری هلموت کول، لیبرال‌ها و سوسیال دمکرات‌ها هم‌دستی کردند. تنها اقلیتی از نمایندگان سوسیال دمکرات و لیبرال در کنار نمایندگان حزب سوسیالیسم دمکراتیک (کمونیست‌های سابق آلمان شرقی) و حزب "اتحاد ۹۰- سیزه" علیه تغییر قانون اساسی رای دادند. بدین ترتیب، نیروهای سیاسی عمده و پارلمان آلمان تسلیم فضای نژادپرستانه‌ای شدند که مشخصه آن، تعارضاتی مانند آتش زدن خانه‌ها و قتل شهروندان خارجی است. قانون اساسی مصوب ۱۹۴۹ آلمان فدرال، به عنوان حرکتی در جهت جبران جنایت فاشیست‌ها، مقرر می‌داشت که "تعقیب شدگان سیاسی حق پناهندگی دارند." این اصل قانون اساسی (اصل ۱۶) فاقد تبصره‌ها و جملات اضافی معمول مانند "ترتیب آن را قانون مقرر می‌دارد" بود و بنابراین، در کنار حقوقی مانند آزادی بیان و عقیده، یک حق انسانی اولیه محسوب می‌شد. به

موجب تغییرات اخیر، هرکس چه به عنوان مبدا سفر و چه در حال عبور، از یک کشور "امن" وارد آلمان شود، بلافاصله به آن کشور بازگردانده خواهد شد و حق دنبال کردن تقاضای پناهندگی خود را در آلمان نخواهد داشت. از آنجا که به زعم دولت آلمان، همه همسایگان این کشور، کشورهای "امن" محسوب می‌شوند، عملاً در آینده کسی نخواهد توانست از راه زمینی وارد آلمان شده تقاضای پناهندگی بدهد. مسافرت هوایی و دریایی به آلمان نیز بدون داشتن ویزای معتبر ممکن نیست، و ویزای معتبر، گذرنامه قانونی می‌خواهد. در روز بحث پیرامون مقررات جدید پناهندگی در پارلمان آلمان، تظاهرات گسترده‌ای در شهر بن مقر پارلمان صورت گرفت. شرکت کنندگان در تظاهرات، محله‌ای را که ساختمانهای پارلمان و کاخهای ریاست جمهوری و وزارت عظمی در آن قرار گرفته است محاصره کردند. بطوری که پلیس مجبور شد نمایندگان پارلمان را با هلی‌کوپتر و کشتی‌هایی که روی رود راین حرکت می‌کردند، به این محل بیاورد. انگیزه اصلی احزاب سیاسی آلمان و بویژه احزاب دست راستی مانند دمکرات مسیحی‌ها در طرح "مسئله" ای بنام مسئله پناهندگان، انحراف ذهن از

تحولات در نیروهای سیاسی کرد ترکیه

در میان نیروهای سیاسی کرد ترکیه، تحولات مثبتی به چشم می‌خورد که حاکی از گرایش این نیروها به فلبه بر اختلافات شدیدی است که تا سال گذشته بین نیروها وجود داشت. مهمترین تحول، تغییر موضع حزب کارگران کردستان (پ.ک.کا.) است. در اسفندماه گذشته، عبدالله اوچالان رهبر این حزب، که از اواسط دهه ۸۰ درگیر جنگ مسلحانه با رژیم آنکار است، بطور یکجانبه اعلام آتش‌بس کرد و تاکید ورزید که دیگر خواهان تشکیل کشور مستقل کرد نیست. او به دولت ترکیه پیشنهاد مذاکره درباره حل سیاسی مسئله کردستان را داد. بدین ترتیب، پ.ک.کا. به مواضع آندسته از احزاب و سازمانهای کرد پیوست که مانند حزب سوسیالیست کردستان، با مبارزه مسلحانه مخالفند و از این رو، تا قبل از تحول اخیر به شدت مورد تعقیب پ.ک.کا. قرار داشتند. اندکی پس از بیانیه عبدالله اوچالان، وی با کمال بورکای رهبر حزب سوسیالیست ملاقات و با او پیرامون برنامه مشترکی برای حل مسئله کردستان توافق کرد. این نخستین بار بود که پ.ک.کا. می‌پذیرفت نیروهای سیاسی دیگری نیز در کردستان ترکیه وجود دارند که برای تحقق خواسته‌های ملی و دمکراتیک مردم کرد مبارزه می‌کنند. در مقابل، حزب سوسیالیست اکنون خواهان قانونی شدن پ.ک.کا. از سوی دولت آنکاراست. البته خود حزب سوسیالیست هنوز فیر قانونی است و کمال بورکای دبیر کل آن که اندکی پیش از کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ به سوئد پناهنده شد، هنوز در تبعید به سر می‌برد و سلب تابعیت ترکیه از او لغو نشده است. بورکای می‌گوید مبارزه مسلحانه پ.ک.کا.، نتیجه سرکوب دهها ساله کردها در ترکیه بوده است و نباید دستاویز ممانعت از فعالیت قانونی پ.ک.کا. قرار گیرد. پ.ک.کا. و پ.ک.کا. با تلگرام مشترک حزب سوسیالیست کردستان و پ.ک.کا. یک راه حل فدراتیو برای ترکیه را پیش بینی می‌کند، که شامل "دو

تشدید سرکوب بنیادگرایان

در کشورهای اسلامی

در صفحه ۱۱

لغ و السالسا پارلمان لهستان را منحل کرد

مرج خواهد کشاند، اما نمایندگان مجلس به این هشدار وقعی نهادند. هانا سوخوتسکا سال گذشته پس از آنکه والدمار پاولاک رهبر ۳۶ ساله حزب دهقانان نتوانست در پارلمان به اکثریت دست یابد، توسط والسا به نخست وزیر منصوب شد. در جریان رای هدم لهستان را تعیین کند. هانا سوخوتسکا در طول ده ماه ریاست دولت، نتوانست برای کابینه ائتلافی خود، اکثریت پارلمانی پایدار ایجاد کند. وقتی دولت سوخوتسکا دو هفته پیش با افزایش حقوق کارکنان دولت مخالفت کرد، فراکسیون "همبستگی" در پارلمان لایحه هدم اعتماد به دولت را مطرح نمود. هم سوسیال دمکرات‌ها و هم حزب دهقانان، تصمیم گرفتند به این لایحه رای مثبت دهند، و در نتیجه، سقوط دولت توسط پارلمان حتمی شد. سوخوتسکا یک روز پیش از رای گیری در پارلمان هشدار داد که ساقط کردن دولت، لهستان را به هرج و

آیا کلیتون به سیاست عدم مداخله

در بوسنی روی آورده است؟

دولت کلیتون که تا پیش از رد پیشنهادهای وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا دایر بر لغو تحریم تسلیحاتی بوسنی - مرز گویین و وارد کردن ضربات هوایی به توپخانه صربهای بوسنی از سوی متحدان اروپایی آمریکا، مدافع دخالت بیشتر قرب در جنگ داخلی بوسنی بود، در هفته‌های اخیر بطور ناگهانی سیاست خود را تغییر داده است. کریستوفر طی سخنانی در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ایالات متحده، کوشید این تغییر جهت را توجیه کند. یک مقام عالی رتبه دولت کلیتون گفته است: "وارن کریستوفر به این نتیجه رسیده است بهترین خدمتی که می‌تواند به بیل کلیتون بکند این است که بوسنی را از دستور کار رئیس‌جمهور خارج کند." دولت آمریکا که تا همین اواخر پیوسته قربانیان جنگ بوسنی را انگیزه‌ای برای حمل و مداخله فوری قلمداد می‌کرد، اکنون ناچار شده است "خوشبختی داری" را تبلیغ کند. در اواخر ماه مه، دولت آمریکا در هرصه نظامی هملا بوسنی را به صربها سپرد و در هرصه دیپلماتیک، ابتکار را به دست روس‌ها و اروپایی‌ها داد. دولت روسیه برای پذیرش ایده فرانسه

دیوان عالی پاکستان

نواز شریف را به مسند قدرت باز گرداند

روز چهارشنبه پنجم خرداد، دیوان عالی کشور پاکستان برکناری دولت نواز شریف نخست وزیر این کشور توسط قلم اسحاق خان رئیس‌جمهور را که در تاریخ سی فروردین صورت گرفته بود، فیر قانونی اعلام کرد و نواز شریف را به مسند قدرت بازگرداند. بدنبال این حکم، نواز شریف روز ششم خرداد بار دیگر دستیاران و طرفدارانش را به پست‌های دولتی گماشت. پارلمان پاکستان با رای ۱۲۰ نفر از ۲۰۴ نماینده حاضر، به دولت شریف رای اعتماد مجدد داد. بدنبال برکناری نواز شریف توسط قلم اسحاق خان، در